

چارزنان دموکراسی قلابی را در اعمال دیکتاتوری عریان بشناسیم! صفحه ۶	اعمال جاسوسی علیه آمریکایی ها قبل از واقعه سپتامبر ۲۰۰۱ صفحه ۷	از هر دری سخنی صفحه ۸	در جبهه جهانی کمونیستی صفحه ۱۹	چهره زشت بربریت امپریالیستی! صفحه ۱۹	توسعه لومپنی در ایران معاصر (بخش اول) صفحه ۱۹
---	---	--------------------------------	---	--	--

خیزشهای توده ای به کجا منتهی می شوند؟

را که جزو بدترین آنها هم نیست بیان کنیم: ۱۵٪ مردم برزیل با درآمدی کمتر از ۱ دلار در روز زنده گی می کنند؛ ۱۰٪ جمعیت برزیل، ۴۵٪ درآمد کشور را تصاحب می نمایند؛ ۴۰٪ مردم برزیل تنها ۹٪ درآمد کل کشور را به دست می آورند که نشان می دهد چه شکاف عظیمی بین فقر و ثروت در این کشورها حاکم است و چه گونه نظام جهانی سرمایه در بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با تحمیل و سرشکن کردن معضلاتش بر دوش توده های کارگر و زحمت کش مذبحخانه تلاش می کند تا به وضعیت خود سروسامانی بدهد. اما در این میان آن چه که در مصر در روزهای اخیر گذشت از نظر درک اوضاع اهمیت ویژه ای دارد. همان طور که در ابتدای خیزش «بهار عربی» شاهد آن بودیم نظامهای امپریالیستی وقتی که بقیه در صفحه دوم

اگر به خیزشهای توده ای ۴ سال اخیر در جهان توجه داشته باشیم درمی یابیم که علارغم ابعاد و ضد حاکمیت بودن آنان نظیر خیزش ۱۳۸۸ در ایران؛ خیزشهای معروف به «بهار عربی»، خیزش تسخیر وال استریت، اعتراضات وسیع میلیونی در اسپانیا و یونان، خیزش جوانان در ترکیه، اعتراضات وسیع مردم در برزیل و اعتراضات میلیونی ۳۰ ژوئن اخیر در مصر، باوجودی که ریشه درتجاهم گسترده ی نظامهای سرمایه داری در این کشورها به حقوق دموکراتیک و معیشتی کارگران و زحمت کشان دارند، به نتیجه ای قابل لمس به نفع توده های عسینانی منجر نشده و با برخی جابه جایی ها در سطح حاکمیت نظامهای کشورهای مطروحه، قدرت دولتی سرمایه داران کماکان تداوم یافته اند. اگر در این میان وضعیت اقتصادی نابرابر برزیل

تفاوت درآمدها در جامعه طبقاتی!

درآمد انسانها در جامعه طبقاتی اساسا متکی بر دو عامل رایج «داشتن سرمایه، و نیروی کار (فکری و یدی)» می باشد. سرمایه داشتن که مهم ترین عامل در دسترسی به کلان درآمدها است خود از استثمار نیروی کاریدی و فکری فروشنده گان این نیرو در بازار کار ناشی می شود که اکنون به حدی از عدم توازن ثروتهای بالا و پائین رسیده که تعداد اندکی از سرمایه داران صاحب ۷۵ میلیارد دلار ثروت اند که مقایسه ی آنها با درآمد کارگرانی که مزد بخور و نمیری می گیرند بی هوده است چراکه نمایان تر از آن است که نیاز به اثبات داشته باشد. اما در جامعه طبقاتی به نیروی کارفکری در برابر نیروی کاریدی نیز برتری داده می شود. حتا بقیه در صفحه چهارم

دو مرض عمده ی جنبش چپ ایران: آنارشیسیم و سکتاریسم

اپورتونیستی راست رهبری حزب توده ایران با اپورتونیسم چپ وادار به عکس العمل نمود. از اواخر دهه ی ۱۳۴۰، این عکس العمل همراه با تأثیری که از حرکتهای جهانی آنارشیبستی به ویژه در آمریکای لاتین نیز گرفته بود در قامت مبارزه مسلحانه جدا از توده ها که توسط خط "مبارزه مسلحانه: هم استراتژی و هم تاکتیک" فرمولبندی شده و متکی بر ارزیابی ذهنی فقدان امکان پیشبرد مبارزه ناشی از خفقان پلیسی و اثرات نامطلوب آن بر روی کارگران بود، عجولانه سازمان دهی مبارزه مسلحانه را در دستور روز برخی از این نیروها گذاشت. رفیق جان باخته حمید اشرف از رهبری "سازمان چریکهای فدائی خلق" ضمن اعتقاد به درستی این خط بقیه در صفحه سوم

اگر به حرکت تاریخی ۷۲ سال اخیر جنبش چپ در ایران نظری اجمالی بیاندازیم می بینیم که در ۳۰ سال اول آن پس از شهریور ۱۳۲۰، راست روی رهبری حزب توده ایران که هم راه بود باتشکل قوی و گسترده آن حزب که ناشی از شرایط مساعد سرنگونی رژیم استبدادی رضا شاهی و اشغال ایران توسط متفقین جنگ جهانی دوم و به ویژه حضور ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ضعف دولت ایران بود، پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب آن حزب، سازمانهای حزبی و توده ای آن توسط ارتجاع سلطنتی وابسته به امپریالیسم به میزان زیادی از هم پاشیده شد. این وضع نیروهای چپ برخاسته از درون خرده بورژوازی را درپرداختن گناهان

دست دین از دخالت در امور مدارس کوتاه!

در دورانی که انسانها با دستاوردهای علمی شان هرچه بیشتر افکار ایده آلیستی و متافیزیکی را مهجور نموده و به قلعه های سنگین معبد، کنیسه، کلیسا و مسجد و دیرنیز گشاده اند، رژیم جمهوری اسلامی به پادشاهی فردی که لقب فقیه گرفته است - رژیمی که ضمن دور بودن کامل از جمهوریت، بدترین و سیوعانه ترین نظام پادشاهی استبدادی را بر نزدیک به ۸۰ میلیون مردم ایران تحمیل کرده است - زنداهایش را به قتل گاه انسانها تبدیل نموده و روزی نیست که خبر از اعدام تعدادی زندانی نشنویم که در میان آنان نوجوانان بزه کار پس از کشیدن چند سال زندان و رسیدن به سن بلوغ به دار زده می شوند. در دورانی که بقیه در صفحه پنجم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



خیزشهای توده ای... بقیه از صفحه اول

خود را در برابر خیزش میلیونی توده های جان به لب رسیده از نظامهای مستبد دیدند، از حمایت از دیکتاتورهای نظیر بن علی و حسنی مبارک دست برداشتند. اما برای جلوگیری از عمیق تر شدن حرکت توده ها درم مقابل با رژیمهای سرمایه داری، ارتشهای دست پرورده این کشورها را از مداخله مستقیم به نفع مستبدان حاکم منع کردند و از جمله زمانی که در مصر دیدند که خیزش توده ای مردم گامهای مهمی برای کسب قدرت برداشته است، ارتش را واداشتند تا با برکناری حسنی مبارک خود را در اسامور قرارداد، مانع از رادیکال شدن جنبشهای توده ای گردند. در ابتدا زمینه را برای روی کار آمدن اخوان المسلمین به عنوان نیروی محافظه کار فراهم ساختند که با کسب اکثریت در مجلس و انتخاب رئیس جمهور قانون اساسی مذهبی ارتجاعی و ضد زن را بر مردم تحمیل نمودند.

علازم ظاهر غیر افراطی اخوان المسلمین، افتادن قدرت به دست نیروهای مذهبی مسلمان نه تنها مورد قبول نیروهای کارگری، سکولار و چپ قرار نگرفت، بلکه رژیم صهیونیستی نیز امنیت خود را از جانب رژیم جید هر چند ملایم مصر در خطر می دید. در این بین، بروز شورش علیه رژیم اسلامی حزب توسعه و عدالت ترکیه هشدار می بود به مراکز نظری امپریالیستی که دیگر زمان حمایت از رژیمهای اسلامی «معتدل» برای حفظ نفوذ خودشان در این کشورها گذشته است و نیروهای سکولار و رفرمیست بورژوائی می توانند در این شرایط ملتهد در کشورهای فوق الذکر در دست به دست شدن قدرت و به حاکمیت رسیدن مناسب باشند. لذا امپریالیستها علاوه بر برخی غروولندها در مورد دموکراتیک نبودن حرکت ارتش مصر مخالفتی جدی با مداخله ی مجدد آن نکردند. سناریوی دخالت مجدد ارتش در صحنه ی سیاسی مصر در شرایطی که باردیگر شعله های خشم توده های میلیونی مردم مصر اوج جدیدی گرفته بود و طبقه کارگر بیشتر متشکل شده و جنبش چپ مصر نقش فعالی در این جنبش ایفا می کردند، به ضرورتی تبدیل شد که به برکنار نمودن محمدرسی و انتخاب عدلی منصور رئیس دادگاه قانون اساسی مصر به ریاست جمهوری حکومت انتقالی بپردازند.

گرچه برکناری اخوان المسلمین از راس قدرت پیروزی مهمی است برای شرکت

کننده گان درخیزش اخیر مصر در عرصه ی دفاع از سکولاریسم می باشد، اما نباید فراموش کرد که در این ماجرا دست بالا را نه طبقه کارگر فاقد رهبری آگاه و پیشرو - حزب کمونیست انقلابی مصر - بلکه نیروهای رفرمیست بورژوائی دارند که با انجام برخی رفرمها از سرنگونی نظام سرمایه داری مصر جلوگیری خواهند کرد. اگر در دهه های نیمه دوم قرن بیستم ملی گرایی توانست برای مدتی ابتکار عمل را در کشور مصر و جهان عرب به دست آورد، اما ملی گرایان قادر به حل معضلات کشورهای عربی تحت حاکمیت نظام سرمایه داری نشدند و وابسته شدن این نظامها و مشخصا مصر به امپریالیستها به آن جا ختم شد که دیکتاتوری حاکم در این کشورها مورد خشم و نفرت توده های وسیع مردم قرار گرفتند و در چنین حالتی جناح مذهبی سرمایه داران در هماهنگی با خرده بورژوازی له شده زیر فشار سرمایه های بزرگ و بوروکراتیک توانستند در تعدادی از کشورهای اسلامی قدرت را به دست آورند و رهبری اسلامیان در این کشورها نیز مستقیما به مثابه ایادی شناخته نشده ی امپریالیستها و یا در تعامل با آنها به تحمیل مردم پرداختند.

خیزش مجدد کارگران و زحمت کشان در برابر رژیمهای جدید نیز محافل امپریالیستی را واداشت تا از عناصر و اقشار مختلف بورژوازی متمایل به غرب برای حفظ سلطه ی خود بر این کشورها سود ببرند. بدین ترتیب، شناخت تاحدمکن دقیق از تاکتیکهای سیاسی انعطاف پذیر امپریالیستها، به ویژه در شرایط کنونی که غرق در بحران شدید اقتصادی و اجتماعی هستند و از دست ندادن سمت گیری کمونیستی که بدون رهبری طبقه کارگر شورشها و خیزشهای توده ای در خدمت طبقات غیر پرولتری قرار می گیرند، نکته ظریف و در عین حال مهمی است که مانع از توهم زائی در صفوف توده های جان به لب رسیده شده و از دچار شدن آنان به رخوت جلوگیری کرده و به مصم شدن آنان در ادامه ی جنبشها تا حد کسب قدرت توسط خود این محرومان و استثمار شده گان و ستم دیده گان، نیرو می بخشد. لذا هشدار به کارگران و توده های مردم در ادامه شورش تا به آخر و تلاش برای ایجاد رهبری راستین خود تنها ضمانتی است برای پیروزی جان فشانیهای شان و ممانعت از تبدیل شدن شان به گوشت دم توپ نیروهای بورژوائی و وابسته به امپریالیسم. هم چنین ضروری است برای آنانی که

در جنبش چپ ایران برکناری محمدرسی را از ریاست جمهوری مصر پایان «اسلام سیاسی» قلمداد می کنند یادآوری شود که نه امپریالیستها و نه نیروهای بورژوائی و خرده بورژوائی هرگز قادر نیستند با نیروهای مذهبی تسویه حساب نهائی بکنند. در تمامی کشورهای امپریالیستی مذهب هنوز نقش فعالی در سیاستهای روز این کشورها دارد و در کشورهای جهان سومی نیز افشار بورژوازی، به علت اوج گیری جنبشهای توده ای وجدائی بیش از پیش توده های کارگر و زحمت کش از استثمارگران و ستم گران، مجبورند هرچه بیشتر به نیروهای مرتجع مذهبی تکیه نمایند. بنابراین پایان دادن به نقش مذهب در دستگاه دولتی و آموزشی نیاز به کسب قدرت توسط پرولتاریا دارد و تا آن زمان و حتا پس از کسب قدرت توسط کارگران و زحمت کشان باز هم مذهب در ضدیت با نظام سوسیالیستی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین دچار خوش خیالی شدن به هیچ وجه جایز نیست. چنین است درسی که از جان فشانیها و جنبشهای میلیونی توده های مردم باید گرفت و به دنبال «جنبش به خاطر جنبش» نیافتاد. به امید آن که در تداوم خیزشها کمبود رهبری راستین جنبشهای توده ای یعنی ایجاد حزب کمونیست انقلابی مصر تحقق پذیرفته و مبارزه تا براندازی نظام سرمایه داری حاکم در مصر و کسب قدرت توسط کارگران و زحمت کشان نیروی تازه ای به خیزشهای توده ای بدمد.

ک. ابراهیم -

۱۶ تیر ماه ۱۳۹۲



**با قدرانی از کمهای مالی
رفقا و دوستان به حزب،
ذکر این نکته را ضروری می
دانیم که تکیه ی حزب به
اعضاء وتوده ها در پیشبرد
مبارزه طبقاتی، روشی
انقلابی و پرولتاریائی است
در حفظ استقلال سازمانی و
جدا نشدن از طبقه کارگر و
توده ها**

جنبش توده ای با هدفی انقلابی در خدمت تغییر جهان است



دو مرض عمده... بقیه از صفحه اول

مبارزاتی اما در جمع بندی از فعالیت سه ساله ی این سازمان در سال ۱۳۵۴ مسائلی را به درستی مطرح نمود که نشان می داد عدم موفقیت این حرکت ناشی از مشی چریکی است. وی از جمله می نویسد:

«کارسیاسی صرف در شرایط کنونی بی اثر است و با این فعالیتها نمی توان طبقه کارگر را به مبارزه کشاند و علت این امر را احساس ضعف مطلق طبقه ی بدون تشکل کارگر در مقابل احساس قدرت مطلق دشمن دانستند و از این رو در صدد اجرای طرحهای تازه برآمدند.» این جمع بندی به خوبی نشان می دهد که این رفقای جان باخته از دید کمونیسم علمی در مورد این که: «امروز در میان تمام طبقاتی که رو در روی بورژوازی ایستاده اند، تنها پرولتاریا طبقه واقعا انقلابی است. طبقات دیگر در حال انقراض اند و نهایتا در مقابل صنعت مدرن نابودی شوند؛ پرولتاریا محصول ویژه و اصلی آن است.» در عرصه ی تئوریک عدول از کمونیسم علمی را بروز دادند. در پراکتیک نیز مبارزاتی نظیر اعتراضات دانش جویان دانش گاه تهران در برابر افزایش بهای بلیط اتوبوس در تهران و حمایت وسیع مردم تهران و تبدیل این حرکت به جنبش توده ای در سال ۱۳۴۸، مبارزات مسلحانه در کردستان در سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۷ و غیره نشان از آن داشتند که مبارزات سیاسی و معیشتی برخلاف ارزیابی رفقای رهبری چریکهای فدائی خلق در آستانه ی تشکیل آن سازمان جریان داشت و بر این اساس ارزیابی ذهنی بدبینانه از اوضاع روز آن زمان بود. تجارب دیگری در این جمع بندی حرکت مسلحانه ی بدون پایه و بدون شرکت توده ها و عجولانه بودنش به عیان بیان شده است: «در آن موقع حالت شطرنج بازی را داشتیم که پس از گرفتن یکی دو مهره از حریف با خوشحالی در صدد طرح نقشه ای برای مات کردن حریف است و در این میان فقط به حرکات خود می اندیشد و از کمین مهره های دشمن غافل می ماند و توجهی به مهره ها و حرکات حریف ندارد.» (همانجا ص ۱۱ و ۱۰) این جمع بندی نیز حکایت از آن دارد که در شرایطی که بنا به ادعای خودشان "ضعف مطلق" در حرکت طبقه کارگر است به دنبال کسب پیروزی سریع بودند!

و یا «سازماندهی ما کامل نبود. در حرکت عجله می کردیم. به امر سازمان دهی بهای لازم را نمی دادیم... بقایایی از رفتار لیبرالیستی وجود داشت و انضباط و

برنامه ریزی [بجز در عملیات مسلحانه] نمی شد.» (همانجا ص ۱۶) و یا «در مرحله ی بهم ریختگی کارهای سازمان به علت کمبود یک سیستم تشکیلاتی مستحکم بسیاری از اصول قابل اجرا نیستند و حرکات در ناامنی شدید صورت میگیرند و نصب پوشش حفاظتی بر حرکات امکان پذیر نیست.» (همانجا ص ۲۲)

رفیق حمید سپس می افزاید: «مارکسیسم - لنینیسم خلاق، مارکسیسم - لنینیسمی که در صدد تفسیر و تغییر جهان است و گرنه اگر مارکسیسم - لنینیسم فقط به مثابه وسیله ای برای تفسیر جهان مورد استفاده قرار گیرد خیلی ها می توانند خود را مارکسیست - لنینیست بدانند... ساختن بازوی عمل کننده یعنی ساختن آن سازمانی انقلابی که بتواند اهداف مرحله ای جنبش را به نتیجه برساند و خودش دوش به دوش پیشرفت جنبش رشد کند و تغییر فرم دهد، مسئله اساسی برای مبارزات آینده را نیز همچنان تشکیل می دهند.» (همانجا، ص ۲۸)

انظار بر این بود که بقایای سازمان چریکهای فدائی خلق با آموختن از این جمع بندی رفیق رهبری جان باخته شان دست از حرکتهای آنارشستی برداشته و در جهت سازماندهی مارکسیست - لنینیستی گام بردارند. اما پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، این سازمان بدون انتقاد از خود، آنارشسیسم را تاحدی کنار گذاشت ولی دچار انشعابات متعدد و فرقه گرایی گردید که هر کدام از فرقه های جدید خود را وارث سازمان مادر می دانستند.

بدین ترتیب، با وجودی که تشکیل دهنده گان اولیه سازمان چریکهای فدائی خلق به سوسیالیسم و کمونیسم عشق می ورزیدند، ولی از نظر ایده تئوریک اسپر شیوه تفکر خرد - بورژوائی بودند که تلاشهای آنان را به مسلخ رژیمهای سلطنتی و جمهوری اسلامی کشاند. این تجربه گران بها نشان داد که امر انقلاب کارگری، سوسیالیسم و کمونیسم ضمن این که نیاز به انسانهای معتقد و جان باز دارد که لازم است، اما این کافی نیست. بدون مسلح شدن به علم انقلاب پرولتری، بدون درک عمیق و به کارگیری ماتریالیسم دیالکتیک در تحلیل از اوضاع در جامعه طبقاتی برای طرح استراتژی و تاکتیکهای درست مبارزاتی، بدون داشتن پیوند فشرده با توده های کارگر و زحمت کش، بدون ایجاد تشکیلاتی آهنگین که اعضای آن چون ماهی دریا در درون توده ها باشند و استراتژی و تاکتیکهای دقیقی را در به زیر کشیدن ضدانقلاب حاکم پیش ببرند، پیروزی طبقه کارگر و توده های میلیونی را در انقلاب

نمی توانند رهبری و تامین کنند. شکست آنارشسیسم و فرقه گرایی صحت آموزشهای کمونیسم علمی را در مورد ضرورت حزب سازی انقلابی به عیان نشان داد.

کم بها دادن به ضرورت ایجاد حزب کمونیست در پیوند فشرده با طبقه کارگر و توده های زحمت کش، علاوه بر تجربه منفی جنبش چریکی، پس از انقلاب ۱۳۵۷، به صورت قبول ظاهری ایجاد تشکل چپ ولی فرقه گرا و در عین حال نقاد تئوری کمونیسم علمی به صورتی یک جانبه تداوم یافت که در قامت: نفی دیکتاتوری پرولتاریا و ضرورت ادامه مبارزه طبقاتی در ساختمان سوسیالیسم؛ طرح آزادیهای بدون قید و شرط نه صرفا در بیان و قلم بلکه در سازمان یابی در سوسیالیسم؛ نفی مرکزیت - دموکراتیک از طریق عدم اجرای تصمیمات توسط اقلیت؛ نفی ضرورت ایجاد حزب واحد کمونیست در هر کشور و نفی تشکل سندیکائی کارگران و تبلیغ شورآرگانی صرف در جنبش کارگری؛ نفی دستاوردهای جنبش کمونیستی و کارگری پس از درگذشت لنین؛ نفی انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری پرولتاریا در کشورهای که هنوز فئودالها نقش قاطعی در قدرت دولتی و در مالکیت زمین و بهره کشی از دهقانان دارند؛ نفی پرداخت حق عضویت توسط اعضای حزب؛ نفی تکیه به نیروی خود و گرفتن کمک از ضدانقلاب جهانی (امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع اسلامی و غیره) که تحت عنوان "کمک گرفتن از شیطان هم جایز است" (از کلمات قصار ملامصطفا بارزانی)؛ عدم تلاش برای وحدت تشکلهای چپ مدافع جنبش کارگری و کمونیسم بر اساس "وحدت روی اصول تئوریک کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک" و تبلیغ وحدت جبهه ای آنان؛ فرقه گرایی در سطح حقیر "من بهترین" بدون این که طبقه کارگر به دفاع از چنین تشکلهای پرداخته باشد؛ بی توجهی به امر انترناسیونالیسم پرولتری و شرکت در همکاری و هماهنگی هایی که در این زمینه بین احزاب و سازمانهای کمونیست در جهان جریان می یابد و... که انحرافات کوچکی نبوده و به فرقه گرایی وسیعی میدان داده است، همه و همه نشان داد که آنارشسیسم نظری و عملی و فرقه گرایی و انضباط ناپذیری ناشی از نفوذ شیوه تفکر خرد - بورژوائی به قدری در جنبش چپ ایران عمیق است که بدون حرکت مستقلانه ی کادرهای آگاه و کمونیست کارگری غیروابسته به احزاب مختلف مدعی رهبر کارگران و تلاش آنان برای تشکیل

آنارشسیسم و سکتاریسم از شیوه تفکر خرد - بورژوائی برمی خیزند



تفاوت درآمدها... بقیه از صفحه اول

کاریدی کردن نه تنها بی ارزش قلمداد می شود، بلکه مورد تحقیر نیز قرار می گیرد. اکثراً در جوامع کنونی نیروی کار فکری به مثابه کار مهم و با ارزش به حساب آورده می شود و در کشورهای مثل ایران نیز چنان جوئی به وجود آمده است که در خانواده ها همه کودکان را به رفتن به مدرسه و گرفتن مدرک تحصیلی بالا تشویق می کنند و استدلال می نمایند که باید به دنبال مدرک تحصیلی رفت تا موقعیت اجتماعی برتری یافت و از درآمد بهتری برخوردار شد. در توجیه این برتری نیز برخی جنبه مادی مخارج تحصیل کردن را پیش می کشند که به نسبت تعداد سالهایی که انسان صرف تحصیل می کند، پرداخت شده و این را نیز دلیلی بر ضرورت بالابودن درآمد انسانهای تحصیل کرده نسبت به کارگران می دانند. به علاوه چنین وانمود می شود که انسانهای درس خوانده باهوش تر از کارگرانند و کارهای مهم تری را انجام می دهند که قابل مقایسه با کار کارگران ساده نیست و به همین علت مستوجب دریافت حقوق بیشتر می باشند. اگر دوره ی تحصیل را بین ۳ تا ۶ سال بعد از پایان دوره دبیرستان بدانیم در این دوره اکثراً خانواده ها، برخی شرکتها و یا دولت پول و بورس تحصیلی داده و فردی که مشغول تحصیل شده باشد زنده گی اش تامین شده و نهایتاً به قول معروف بدون کوچک ترین زحمتی برای دریافت درآمد در رشته معینی علم فرا می گیرد و وقتی که صاحب مدرکی نظیر پزشکی، مهندسی، وکالت، معلمی و غیره می شود تازه وارد بازار کار می گردد تا از طریق کار خود به کسب درآمد بپردازد و از همان ماه اول شروع به کار به نسبت دوست هم مدرسه ای اش که به دلایل متعددی نتوانسته بود به دانش گاه راه یابد و طی این ۳ تا ۶ سال که رفیق اش پول گرفته و درس خوانده بود، کار کرده و مزدش نیز پس از این مدت تجربه آموزی در کار از حقوق دوستش کم تر است.

بدین ترتیب می بینیم که این ارزش گذاری نادرست طبقاتی بر اساس کم بها دادن به نیروی کار پیدی و پربها دادن به نیروی کار فکری که ضمناً به منظور جلب این نیرو برای قرار گرفتن در دم و دستگاه حاکمیت طبقاتی به عنوان کادرهای اداره کننده ی امور مملکتی نیز می باشد جهت هموار نمودن اعمال استثمار و ستم بر کارگران به منظور دست یافتن به ثروت و سرمایه بیشتر و پائین نگه داشتن مزد کارگران نیز می باشد. به

حزب کمونیست ایران نمی توان انتظار داشت که علارغم بیش از ۶۰ سال مبارزه ایده نولوژیک برسر وحدت مارکسیست - لنینیستها و بی نتیجه ماندن این تلاشها به خاطر آنارشیسم، فرقه گرایی و خودستائی خرده بورژوائی فرقه ها و رهبری آنان، از طریق وحدت تشکلهای چپ با انتقاد عمیق از بینشها، سیاستها، سازماندهی ها و سبک کارهای شان، صورت پذیرد.

بنابراین طرد آنارشیسم نظری و عملی و فرقه گرایی در جنبش چپ و کارگری و محکم به دست گرفتن آموزشهای کمونیسم علمی در ۱۶۰ و اندی سال اخیر تنها امکان برای سازمان یابی و پیش روی جنبش آگاه کارگری در خدمت به امر انقلاب پروولتاریائی است که با توجه به جهانی تر شدن سرمایه، زمینه برای انقلاب جهانی هرچه بیشتر مساعد شده است.

انحرافات عمیق ایده نولوژیک فوق الذکر که در پوشش دفاع دواتشه ظاهری از کمونیسم پیش برده می شوند مبارزه پیشروان طبقه کارگر را برای جدا کردن سره از ناسره با مشکلات فراوانی روبه رو ساخته اند که بدون مبارزه ای پیوسته با این انحرافات و "نوآوریها" ی ذهنی گرا، امکان پیش روی نبوده و همان طور که می بینیم جنبشهای عظیم کارگری وتوده ای علارغم مبارزات و جانبازیهای شان، پیوسته در خدمت دست به دست شدن قدرتها در دست جناحهای مختلف سرمایه داری باقی می مانند. تغییر این وضع تنها توسط کمونیستهای ممکن است که با اعتقاد به کمونیسم علمی آموزشهای آن را در کمال احساس مسئولیت در عمل به کار ببندند. باتوجه به اخلاهای شیوه تفکر خرده بورژوائی در جنبش چپ، پا به میدان گذاشتن فعالان کارگر آگاه و کمونیست در باز کردن این گره کور در این جنبش می تواند بسیار مناسب افتد.

ک. ابراهیم -

۱۵ تیر ۱۳۹۲



بجز نوشته هایی که با امضای
تحریریه منتشر می گردد و
بیانگر نظرات حزب رنجبران
ایران می باشد، دیگر نوشته
های مندرج در نشریه رنجبر
به امضا های فردی است و
مسئولیت آنها با نویسندگانشان
می باشد.

طوری که کمتر کشوری می توان یافت که حقوق ماهانه ی وزیران و وکلای مجلس و مدیران کل دواپردولتی و خصوصی کمتر از ۱۰ برابر مزد ماهانه کارگران باشد و با احتساب مزایائی هم که موجود است، این رقم به ۲۰، ۳۰ و یا هزار برابر نیز می رسد! گزارش زیر در مورد کار در بیمارستانها گوشه ای از این ناعادلتی های موجود در بازار کار سرمایه داری را به عیان نشان می دهد: «رئیس کل سازمان نظام پرستاری مهمترین اعتراض پرستاران را تفاوت دریافتی شان با پزشکان عنوان کرد.

غضنفر میرزاییگی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با اشاره به وضعیت معیشتی پرستاران گفت: اگرچه وضعیت معیشتی پرستاران از متوسط کارمندان دولت پایین تر نیست و وضعیت بدی ندارند اما حقوقشان کفاف زندگی را به درستی نمی دهد.

وی با بیان اینکه آنچه پرستاران به آن اعتراض دارند تبعیض در نظام سلامت است، افزود: تبعیض در پراختها، تصمیم گیری و جایگاه بزرگترین اعتراض پرستاران است.

میرزاییگی ادامه داد: گله پرستاران از این است که وقتی ما پا به پای یک پزشک در عمل جراحی هستیم و در پروتکل درمانی بیمار بیش از پزشک حضور داریم چطور می شود که پزشک ۳۰۰ برابر پرستار دریافتی داشته باشد.

وی افزود: شاهد هستیم میانگین کارانه یک پرستار در بیمارستان ۵۰ هزار تومان است در حالی که کارانه یک پزشک در همان بیمارستان ۱۵ میلیون است.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری تاکید کرد: با اینکه پزشک به اندازه یک پنجم پرستار در بیمارستان حضور ندارد اما بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ برابر نسبت به پرستار دریافتی دارد و در اینجاست که پرستاران اذیت می شوند و در هیچ جای دنیا هم چنین وضعیتی حاکم نیست. میرزاییگی در پاسخ به این سوال که آیا همچنان در خواستها برای جذب پرستاران ایرانی از سوی کشورهای دیگر وجود دارد، افزود: از همه جای دنیا برای جذب پرستاران ایرانی درخواست داریم به گونه ای که حجم درخواستهایی که فقط به نظام پرستاری آمده حدود ۱/۵ برابر پرستاران شاغل در ایران است. « (۱۸ / ۰۶ / ۲۰۱۳ منتشر شده توسط سایت آینه روز)

کمونیستها بر اساس آموزش کمونیسم علمی در تغییر این وضعیت ناعادلانه مقدماتاً پس از استقرار سوسیالیسم از یک طرف طبق اصل «کاربرای همه و به هرکس»



و تنویر افکار نوجوانان و خانواده‌ها ازسوی روحانیون تعریف مشخصی صورت گیرد تا این حضور نظاممند شود.

بنیادی به وجود ۶۰ هزار مدرسه مشخص در کشور اشاره کرد و افزود: در این ۶۰ هزار مدرسه باید ۶۰ هزار روحانی مستقر شوند که از این تعداد تاکنون ۲۱ هزار را در اقامه نماز جذب کرده‌ایم و همین تعداد را در مدارس مستقر خواهیم کرد تا پاسخگوی دانش آموزان باشند.

وی با اشاره به اینکه باید ۴۰ هزار روحانی دیگر در مدارس جذب شوند، افزود: این اقدام با مشارکت حوزه علمیه قم و وزارت آموزش و پرورش در مناطق مختلف کشور صورت خواهد گرفت.

مشاور وزیر در امور قرآنی افزود: امیدواریم سال آینده تحصیلی شاهد استقرار ۶۰ هزار روحانی در مدارس باشیم چرا که این مطالبه آموزش و پرورش است.

بنیادی با اشار به اینکه باید معلوم شود روحانیون باید در کدام مقطع تحصیلی مستقر شوند، افزود: **بهترین جای استقرار روحانیت در مقطع ابتدایی است چرا که در مقاطع راهنمایی و دبیرستان دیگر دیر است.** (تکیه روی کلمات از ما است)

به خوبی آگاهند که دین متحجر و غیر منطقی دربرابر دانش دیالکتیکی و تکامل یابنده و منطقی قادر به مقاومت نیست. به همین علت آنها می خواهند کودکان را با گول زدن در دوران به دبستان رفتن درتله دین گرفتارکنند، چون که می دانند کودک پس از آموزش از دستاوردهای علمی و دست یابی به تفکر دیالکتیکی و علمی دیگر حاضرنیست لاطائلات و چرندیات مثنی کتابهای دینی را بپذیرد.

جدائی دین از دولت و آموزش و پرورش خواستی انقلابی و علمی است که توسط کمونیستها قاطعانه مطرح شده و پس ازکسب قدرت تحقق می یابد. بدین ترتیب جامعه ی انسانی وارد دورانی از زنده گی اش می شود که درآن خرافات مذهبی مغز جست و جوگر انسان را از حرکت نمی توانند بازدارند و درچنین جامعه ای مذهب از حد اعتقاد فردی نمی تواند تجاوز کرده و درکار اجتماعی به دخالت بپردازد.

وقت آن رسیده است که دانش آموزان با بی اعتنائی به طلبه های دینی درمدارس و با تحریم شرکت درکلاسهای آنان و نهایتا بیرون راندن آنها از محیط آموزش و پرورش، مشت محکمی بردهان حاکمان رذل و ضدعلم بزنند. و چنین باد!



دست دین ... بقیه از صفحه اول

ساختن جاده های دقیقا مناسب راننده گی مرگ و میر انسانها درجاده ها را تقلیل داده، با حضور آنارشویسم حاکم برکشور، جاده های ایران به قتل گاه به طور متوسط ۲۰ هزار نفر و معلول شدن دهها هزار نفر دیگر درسال تبدیل شده اند؛ خیابانهای شهرها به اتراق جوانان بی کار و درجست و جوی کار تبدیل گشته اند؛ تورم و گرانی ازیک سو و عدم پرداختن مزدهای ناچیز کارگران و زحمت کشان ازسوی دیگر به بهانه ی فقدان نقدینه گی، آنها را به روزگاریهای کشاننده است؛ ته مانده ی پولهای دزدی شده از خزانه ملت پس از حیف و میل توسط آقاها و آقازاده ها صرف ساختن دهها هزار مسجد دیگر درسراسرکشور و فرستادن دهها هزار طلبه از حوزه های مذهبی به مدارس کشور می شود. رژیم جمهوری اسلامی مذبحخانه می کوشد تا علم پاره پاره کورذهنی دینی را به جای پرچم علم منور و راه گشا درمدارس کشور مستقر نموده و انسانهای خرافاتی ولی حبله گر و دورو و مذهبی دراین مدارس تربیت نماید تا با کمک آنها بتواند زنده گی انگل وارث را تداوم بخشد.

طبق گزارش اینلنا (۱۸ تیر ۱۳۹۲) : « مشاور وزیر در امور قرآنی گفت: روحانیون خواهر و برادر باید در مقطع ابتدایی مستقر شوند تا زیرساخت های لازم را برای دانش آموزان مهیا کنند.

«محمد بنیادی» در گفت وگو با خبرنگار اینلنا در مورد نظام مند شدن حضور روحانیون در مدارس گفت: آنچه می خواهد نظام مند شود وجود یک روحانی مستقر در مدرسه است. مدیر کل نماز، قرآن و عترت آموزش و پرورش تصریح کرد: تاکنون ۲۱ هزار روحانی را به مدارس برای اقامه نماز اعزام کرده ایم که البته گاهی بعضی از آنها در پاسخ به سوالات دانش آموزان و همچنین ایراد سخنرانی فعال بوده اند.

وی با اشاره به اینکه حوزه علمیه باید به فکر ۱۲۰ هزار روحانی برای ۱۲۰ هزار مدرسه باشد، افزود: حوزه علمیه باید این پتانسیل را جوابگو باشد چراکه آموزش و پرورش به ۱۲۰ هزار روحانی نیاز جدی دارد. وی با تاکید براینکه برای نظام مند کردن روحانیون در مدارس باید شرح وظایف آنها مشخص شود، افزود: باید شرح وظایف یک روحانی، نوع حضور و خدمات او در مدارس مشخص باشد به گونه ای که برای اقامه نماز، پرسش و پاسخ به احکام شرعی

به اندازه توانائی اش» تلاش خواهند کرد تا نا برابریها و تمایزهای موجود اجتماعی را هرچه بیشتر ازبین ببرند. توانائی ها نیز ازسوی دیگر براساس نقش هر انسان در تولید و مبادله و سایر امور خدماتی و طبق بالاترین حقوق باید مزد یک کارگر متخصص باشد، توسط متخصصین و شوراهای کارگران و زحمت کشان کشوری معین شده و قدرمسلم شاید درابتدای ساختمان سوسیالیسم با انعطاف بیشتری این ارزیابی صورت بگیرد و با آموزش دادن به کل نیروی کار درمورد نقش آنها در ایجادثروت جامعه و نقد و طرد نظام محاسبه ی ارزش نیروی کار درجامعه ی سرمایه داری، تحول بزرگی را در رشد جامعه ی برتر سوسیالیستی فراهم آورند. شاید بی مناسبت نباشد که یادآوری کنیم که پس از انقلاب کبیراکتبر ۱۹۱۷ روسیه، اختلاف بین حقوقها و مزدهای ماهانه را دولت کارگری روسیه شوروی از سطح ۱۵ به ۱ در دوران حاکمیت تزارها به ۵ به ۱ رساندند و این اختلاف در چین توده ای ۸ به ۱ گردید که گامی بزرگ دربرجسته نمودن ارزش نیروی کار کارگران و زحمت کشان بود.

همین امر به تنهایی برتری عدالت اجتماعی درنظام سوسیالیستی را نسبت به نظام سرمایه داری نشان می دهد و درشرایطی که درایران کارگران نه تنها از وجود اختلاف عظیم بین کارگران و مسئولان بالای مملکتی رنج می برند، بلکه حتا درپرداختن همین شندرغاز مزد نیز کارفرمایان سنگ انداخته و بعضا کارگران ماهها و سالها از دریافت آن محروم می شوند. پایان دادن به این تجاوز آشکار به ابتدائی ترین حق کارگران و زحمت کشان در دریافت مزدکارشان، جز متشکل شدن و نهایتا درهم شکستن نظام سرمایه داری حاکم، به دست گرفتن قدرت دولتی و گرفتن سرنوشت خویش به دست خودشان امکان پذیرنیست. به امید آن روز



از سایت زبان های خارجی
(انگلیسی - آلمانی) حزب
رنجبران ایران دیدن کنید!

http://www.ranjbaran.org/01_english

دست دین از دخالت در امور مدارس کوتاه باد



جارتان دموکراسی قلابی را در اعمال دیکتاتوری عریان بشناسیم!

**آشنائی با آخرین «نشت
امنیتی» سازمان امنیت ملی،
به معنی درک ظهور فاشیسم**

جدید می باشد

توسط جان پیلگ، تحقیقات جهانی،

۲۰ ژوئن ۲۰۱۳

دولتمرد جدید

ادوارد برنیز در کتاب خود، «تبلیغات»، منتشر شده در سال ۱۹۲۸ نوشت: «اداره کردن آگاه و هوشمند عادات سازمان یافته و نظرات توده ها یک عنصر مهم در جامعه دموکراتیک می باشند. کسانی که این مکانیسم نامرئی جامعه را دستکاری می کنند، دولت نامرئی را تشکیل می دهند که قدرت حقیقی حاکم کشور ما می باشد.»

خواهرزاده آمریکائی زیگموند فروید، لفظ «روابط عمومی» را به عنوان اصطلاح برای تبلیغات دولت اختراع کرد. او هشدار داد که یک تهدید پایداری نسبت به دولت نامرئی، حقیقت گوئی است که برای مردم روشنگری کند.

در سال ۱۹۷۱، خبرچین معروف، دانیل الزبورگ، پرونده های دولت، معروف به اسناد محرمانه پنتاگون را به بیرون درز داد و از این طریق روشن ساخت که حمله و تجاوز به ویتنام براساس دروغ سیستماتیک استوار بود. چهار سال بعد طی جلسه پرشوری در سنای ایالات متحده آمریکا، سناتور فرانک جورج خاطرنشان ساخت: وی یکی از آخرین نوردرخشانی که از دموکراسی آمریکا است که سو سو می زند. اینها به طور عریان به حد کامل دولت نامرئی را پایه گذاری کردند: جاسوسی داخلی و براندازی و جنگ طلبی توسط سازمانهای اطلاعاتی و «امنیتی» و پشتیبانی که آنها از شرکتهای غول پیکر و رسانه های آنها، اعم از لیبرال و محافظه کار، دریافت می کنند.

صحبت در مورد سازمان امنیت ملی شد، سناتور جورج گفت: «من آن ظرفیت را که در آمریکا می تواند ظلم و ستم روا کند می شناسم، و ما باید مطمئن باشیم که این سازمان و تمام سازمانهایی که چنین تکنولوژی را

در اختیار دارند، در چارچوب قوانین عمل کنند... به طوری که ما هرگز از آن مغاک عبور نکنیم. این مغاک است که از آن هیچ راه بازگشتی وجود ندارد.»

در روز ۱۱ ژوئن ۲۰۱۳، متعاقب فاش سازی در روزنامه گاردین لندن توسط پیمانکار سازمان امنیت ملی، ادوارد اسنودن، دانیال الزبورگ نوشت که ایالات متحده آمریکا اکنون در «آن مغاک» افتاده است. فاش سازی اسنودن که واشنگتن از گوگل، فیس بوک، اپل و دیگر غولهای تکنولوژی مصرف کننده برای جاسوسی نسبت به همه استفاده می کند، شواهد بیشتری است برای شکل گیری فاشیسم مدرن در این کشور. این است آن «مغاک». با پرورش فاشیستهای قدیمی در سراسر جهان- از آمریکای لاتین تا آفریقا و اندونزی- جن در این کشور به پا خاسته است. درک این موضوع به همان اندازه اهمیت دارد که درک از سوء استفاده مجرمانه از تکنولوژی اهمیت دارد.

فرد برانفمن، کسی که تخریب «مخفیانه» کشور کوچک لائوس را توسط نیروی هوایی آمریکا در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ فاش ساخت، جوابی را به آنهایی که هنوز هم در تعجب اند که یک رئیس جمهور سیاه پوست لیبرال آمریکائی، استاد قانون اساسی می تواند چنین بی قانونی را با فرمان خود به اجرا درآورد را می دهد. «زیر نظر اوباما»، او نوشت، «هیچ رئیس جمهوری تابه حال به این اندازه به ایجاد زیرساختهای لازم برای یک دولت احتمالی پلیسی آینده انجام نداده است.» چرا؟ برای این که اوباما، مثل جورج دبلیو بوش، می داند که نقش او این نیست که دل آنهایی را که به او رأی دادند بدست بیاورد اما، برای گسترش « قدرتمندترین نهادهای سرمایه داری در تاریخ جهان است، نهادهایی که از ۱۹۶۲ تا به حال بیش از ۲۰ میلیون از انسانها را کشتند، زخمی و یا بی خانمان کردند که عمدتاً از غیر نظامیان بودند.»

در قدرت جدید فرمان شناسی (سایبر) ایالات متحده، تنها درهای چرخنده تغییر کرده است. مدیر عامل ایده های گوگل، جارد کوهن، مشاور کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه سابق دولت بوش بود. کسی که در مورد این که صدام حسین می تواند ایالات متحده آمریکا را با استفاده از سلاح های هسته ای مورد حمله قرار دهد، دروغ گفت. کوهن و رئیس اجرائی گوگل، اریک اشمیت - که آنها در ویرانی ها و خرابه های عراق با یکدیگر ملاقات کردند - کتابی

را با هم به رشته تحریر درآوردند، به نام «عصر دیجیتال جدید»، که با الهام گرفتن از افرادی مثل رئیس سابق سازمان سیا، مایکل هایدن و جنایتکاران جنگی به نام های هنری کیسینجر و تونی بلر به امضاء رسید. نویسنده هیچ اشاره ای به برنامه منشور جاسوسی نمی کند، که توسط ادوارد اسنودن فاش شد که به سازمان امنیت ملی دسترسی تام الاختیار با اطلاعات در مورد تمام افرادی که از گوگل استفاده می کنند را می دهد.

کنترل و تسلط در اینجا دو واژه ای است که در این رابطه مفهوم پیدا می کنند. اینها توسط طرح های سیاسی، اقتصادی و نظامی به کار انداخته شدند، که نظارت جمعی یک بخش مهم و ضروری است اما، با حيله گری و تبلیغات در ذهن مردم اعمال می شود. این نظر ادوارد برنیز بود. او در دو تا از موفق ترین برنامه های تبلیغاتی، آمریکائی ها را قانع کرد که در سال ۱۹۱۷ آنها باید وارد جنگ شوند و در آن موقع زنان را متقاعد می کردند که باید در ملاء عام سیگار کشید؛ «سیگار مثل آزادی ای بود» که آزادی زنان را تسریع خواهد کرد. در فرهنگ عامیانه آمریکائی چنین جا افتاده که به طور تقلب آمیزی «ایده آل» آمریکائی به عنوان نظر اخلاقی برترین، «رهبر جهان آزاد»، مؤثرترین بوده است. با این حال، حتی در متعصب ترین (یا وطن پرست ترین) دوره هالیوود، فیلم های استثنائی وجود داشت، مانند تبعید استیلی کوبریک، و فیلم های پر ماجرای اروپائی، توزیع کنندگان آمریکائی داشت. این روزها، ابداء خبری از استیلی کوبریک، استرانج لاول، نیست و بازار ایالات متحده تقریباً به روی این نوع فیلم ها بسته شده است.

وقتی که فیلم خودم را، «جنگ علیه دموکراسی» به توزیع کننده عمده، و آزاد فکر افراطی آمریکائی نشان دادم، به من یک لیست عریض و طویلی در مورد تغییرات لازم قبل از نمایش آن تحویل داده شد برای اینکه «فیلم مورد قبول برای نمایش دادن واقع شود.» چیز خارجه انگیزی که به من گفت این بود «باشد شاید ما بتوانیم شان پن را که به عنوان راوی این فیلم است از این فیلم رها سازیم. آیا این شما را راضی خواهد کرد؟» به تازگی شکنجه کاترین بیگلوو، عذر خواهی «صفر سی تاریک» و فیلم الکس گبنیز «ما اسرار را به سرقت می بریم»، فیلم سینمایی عداوت آمیز در مورد جولیان آسانژ با پشتیبانی سخاوتمندانه



یکی «کلید» نامیده می‌شد، و دیگری «کلید ان اس ای» («NSAKEY») نامیده می‌شد. فرناندز کشف دوباره دو کلید سی ای پی ای (CAPI)، و معنی سری شان را به کنفرانس «پیشرفتهائی در رمزشناسی، عضو سازمانهای سری سال ۹۹»

(«Advances in Cryptology, Crypto 99») که در سانتا باربارا کالیفرنیا برگزار شد، گزارش داده است. با توجه به کسانی که در این کنفرانس حضور داشتند، شرکت توسعه دهندگان ویندوز در کنفرانس، انکار نکردند که کلید «ان اس ای» در نرم افزارهای خود ساخته نشده است. اما، آنها حاضر به صحبت در مورد عملکرد کلید نشدند، یا این که چرا این کلید بدون اطلاع مصرف کننده در آن به کار گذاشته شده است.

یک کلید دیگر، کلید سوم؟! اما، طبق شهادت دو نفر حاضر در کنفرانس، حتی بالا ترین برنامه نویسان سری و مخفی مایکروسافت متحیر شدند که بفهمند که نسخه ای دی وی ای پی ای ال (ADVAPI.DEL) که با ویندوز ۲۰۰۰ حمل شده شامل ۳ کلید می‌باشد، نه دو کلید. برایان لاماشینا (Brian La Machina)، رئیس توسعه سی ای پی ای (Common Application Programming Interface، CAPI) در مایکروسافت «حیرت زده بود» که بداند این کشفیات توسط خارجی ها صورت گرفته است. آخرین کشف دکتر سامرن (CAPI) در روشهای جستجوی پیشرفته است که آزمون و گزارش در مورد «آنتروپی» (entropy) کد برنامه ریزی استوار است.

در درون تشکیلات مایکروسافت، دسترسی به کد منبع ویندوز گفته می‌شود که به شدت قسمت بندی شده است، که کار را برای ایجاد تغییرات در آن بدون نیاز حتی به دانش مدیران تولید (یا محصول) مربوطه آسان می‌سازد.

محققان در مورد این که آیا کلید ان اس ای می‌تواند به کاربران دولت ایالات متحده از ویندوز اجرای رمزنگاری محرمانه بر روی ماشینهای خود را بیاموزد و یا این که آیا برای باز کردن ویندوز کامپیوتر هرکسی یا همه را به منظور جمع آوری تکنیک اطلاعات مستقر شده توسط سپاه رو به رشد «رزمندگان اطلاعاتی» ان اس ای در نظر گرفته است.

طبق نظر فرناندز در باره رمزنگاری (cryptonym)، در نتیجه داشتن کلید مخفی در داخل سیستم عمل ویندوز شما «ان اس ای» که برای ان اس ای فوق العاده راحت

اف بی آی می‌خواهد که برنامه نویسان نرم افزار، درب عقبی (بخوانید برای اف بی آی و سازمان امنیت ملی) را در کلیه نرم افزارها نصب کند.

با کمی بیشتر جستجو، ما مقاله ای را که در سال ۱۹۹۹ توسط ناشر کامپیوتری اروپائی به نام هیس یافتیم که اشاره می‌کرد سازمان امنیت ملی آمریکا (NSA) هم اکنون درب عقبی را در تمام نرم افزارهای ویندوز به منظور جاسوسی علیه هر نوع مصرف کننده ساخته است.

یک اشتباه سهل انگارانه توسط برنامه نویسان مایکروسافت فاش شد که کد های دسترسی ویژه ای توسط سازمان امنیت ملی آمریکا به طور کاملاً مخفیانه در هر نسخه از ویندوز ساخته شده است. سیستم دسترسی سازمان امنیت ملی در هر نسخه از سیستم عامل ویندوز ساخته شده و در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد، به جز نسخه های اولیه ویندوز ۹۵ (و ماقبل آنها). پی بردن به این موضوع در اوایل سال جاری امکان پذیر می‌گردد که یکی دیگر از نرم افزارهای گول پیکر آمریکا، لوتوس (Lotus)، دریچه «اطلاعات کمکی» را برای سازمان امنیت ملی در سیستم یاد داشتی اش ساخته است، و برای آن که توابع امنیتی در سیستم های نرم افزاری دیگر عملاً فلج شده بودند.

اولین کشف دسترسی جدید سیستم NSA، دوسال پیش توسط محقق انگلیسی به نام دکتر نیکو وان سومرن (متخصص در سیستم امنیتی کامپیوتر) به عمل آمد. اما، این فقط چند هفته پیش بود زمانی که محقق دومی این سیستم دسترسی را کشف کرد. به کمک آن، او مدرک ارتباط آن با NSA را به دست آورد.

دو هفته قبل، یک شرکت امنیتی ایالات متحده مدرک قطعی که کلید دوم متعلق به NSA است را به دست آورد. مانند دکتر وان سامرن، اندرو فرناندز (Andrew Fernandez)، دانشمند ارشد رمز شناس (Cryptonym)، واقع در شهر مرسیول، ایالت نورس کارولاینا، حضور و اهمیت این دو کلید را کاوش کرده است. سپس او به بررسی آخرین نسخه های رها شده (در بازار) سرویس ویندوز ان تی ۴ (NT4) و سرویس ۵ پرداخت. او متوجه شده که توسعه دهندگان مایکروسافت موفق به حذف یا «لخت کردن» نمادهای اشکال زدائی، مورد استفاده برای آزمایش این نرم افزار قبل از انتشار آن نشده اند. در داخل این کد، متمم سند یا نوشته برای دو کلید حک شده بود.

یونیورسال استودیوز ساخته شده، که در واقع شرکت هم خون جنرال الکتریک می‌باشد. جنرال الکتریک تولید کننده سلاح، قطعات برای هواپیماهای جنگنده، و تکنولوژی پیشرفته نظارت جمعی می‌باشد. این شرکت هم چنین دارای منافع سودآور زیادی در عراق می‌باشد.

قدرت حقیقت گوئی برادلی مینینگ، جولیان آسانز و ادوارد اسنودن در این است که آنها طلسم افسانه ای را که با دقت توسط سینمای این شرکتها، آکادمی این شرکتها و رسانه های این شرکتها طرح ریزی شده بودند را شکستند. ویکیلیکس به خصوص برای آنها خیلی خطرناک است، زیرا حقیقت گویان را وسیله ای برای بیرون دادن حقیقت آماده می‌سازد. این کار توسط «خسارت تضمین شده» بدست آمد، ویدئو کلیپی که از کابین خلبان هلیکوپتر آپاچی آمریکائی توسط برادلی مینینگ به بیرون درز پیدا کرد. در این جا نیروی هوائی ایالات متحده آمریکا روزنامه نگاران را به قتل می‌رساند و سبب ضرب و جرح و نقض عضو کودکان در یکی از خیابانهای بغداد می‌شود، و از این عمل به روشنی لذت می‌برند و عمل قساوت انگیز خود را «مطلوب» جلوه می‌دهند. با این حال، با یک مفهوم حیاتی آنها نتوانستند از زیرش در بروند، ما هم اکنون شاهدیم، و کلاً بقیه به ما بستگی دارد.

اعمال جاسوسی علیه آمریکائی ها قبل از واقعه سپتامبر ۲۰۰۱

تا سال ۱۹۹۹، سازمان امنیت ملی درب عقبی (برای ورود) در تمام نرم افزارهای ویندوز (مایکروسافت) کار گذارده است. دولت با همدستی مایکروسافت شبیح وحشتناکی را ایجاد کرده است.

توسط وبلاگ واشنگتن و مرکز تحقیقاتی، ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳

دولت ایالات متحده قبل از واقعه سپتامبر ۲۰۰۱ در مشهورترین برنامه مصرف کنندگان (مایکروسافت) طرح دسترس جاسوسی را ریخته بود.

در یک تحقیق فراگیر حیرت زده ای از جاسوسی توسط دولت (این بسیار گسترده تر از آن است که شما حتی در حال حاضر از آن مطلع هستید)، ما با این مواجه شدیم که



همه جا و بیشتر از همه خواست پاکس آمریکا و تبعیت از "انتخابات" نوع غربی است. طبعاً کشوری در آفریقا هست که انتخابات ندارد. او هم کشوری آفریقائی است با کمترین بدهی به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و یکی از، اگر نه، با سریع ترین رشد اقتصادی در قاره.

طبق گزارش تقریباً مبهم بانک جهانی این کشور تولید ناخالص داخلی اش را از زمانی که سازمانهای کمک رسانی غربی در سال ۲۰۰۴ و "محافظان صلح" سازمان ملل را در سال ۲۰۰۵ بیرون کرد سه برابر کرده است. می توان حتماً کشور دیگری در جهان را نام برد که ارتش "محافظان صلح" سازمان ملل را تماماً بیرون کرد؟

منظورم اریتره است، با ۲۲ سال استقلال و بدون انتخابات. آیا شما این را می دانید؟ وقتی که من مسئله "انتخابات" را با فامیلها و دوستان اریتره ای ام در داخل و خارج اریتره مطرح کردم، (من تنها کسی هستم که این سؤال را می کنم، و در آخرین بار) این توجه زیادی از آنها را به موضوع جلب نکرد. اگر من پافشاری کنم، اریتره ایها به شما خواهند گفت که اندیشه "انتخابات" تنها باخودش نظرات، تقسیمات و جدال می آورد. اکثر اریتره ایها از رئیس جمهور دفاع می کنند و احساس آنان چنین است که ما نیاز به غربیها نداریم که به ما بگویند چه بکنیم بهتر است^(۱).

به سخن دیگر تنها مردمانی که خواست "انتخابات" دارند اریتره ایها نیستند.

فرض بر این است که دموکراسی به معنای آن است که رهبران کشوری خواست مردم را به اجرا در آورند.

اکثر آفریقائیها به شما خواهند گفت ما بیشتر از همه غذا، آب، سرپناه، مواظت پزشکی و تربیت فرزندانمان را می خواهیم.

اگر رهبران یک کشور این نیازهای پایه ای حقوق بشر را برای مردمشان فراهم می کنند آنها آن چه را که مردم می خواهند، به انجام می رسانند، دموکراسی را به کار می بندند. اگر آنها چنین نکنند، اگر مردمشان در گرسنه گی، سرما، مریضی و بی سوادگی به سربرند، پس این رهبران دموکرات نیستند و مهم هم نیست که چندبار "انتخابات" برگزار کنند. دموکراسی در مقابل انتخابات در آفریقای امروز قرارداد، و مختصراً مربوط است به سرما، ناخوشی، گرسنه گی و بی سوادگی و آنهائیکه رهبرند به مواظبت از مردم برمی خیزند و در درجه اول و بیش از همه به نیازهای اولیه شان می رسند.

سنتاً در دهات آفریقا تصمیمات و اتخاذ درگیری بر اساس سیستم توافق باهم صورت می گیرد که در آن برنده و بازنده آخری به خاطر شرکت همه ی بخشها در تصمیم گیری وجود ندارد و افتخار ناشی از آن متعلق به همه می باشد. "انتخابات" در "آفریقای دموکراتیک" درست برعکس آن روی می دهد.

نقش بی حرمانه ی "دموکراسی آفریقائی" خریدن رای، دست کاری و دزدی در انتخابات است که باید دراتیوی بی زودی شروع شود، جائی که رژیم اقلیت قومی خود را در عرض ۱۲ ساعت بعد از پایان رای گیری با ۹۹،۶٪ آراء پیروز اعلام می کند. دومین جا را می توان در لیبیا جست، جائی که در مونروویا پایتخت آن آب جاری و یا برق طی تمامی دوره ریاست جمهوری النور یوهانسون وجود نداشت. اوکه انتخابات را بدون رقیب پیش برد به علاوه جایزه نوبل را هم گرفت.

در سومین جا، شاید هم در واقعیت دومین جا، سومالی قرارداد، جائی که خیلی ساده بگوئیم رای دهی توسط مردم سومالی صورت نگرفته، تمامی اعضای پارلمان که دست چین شده توسط رئیس جمهور سابق بودند به "انتخاب" او پرداختند.

در چهارمین محل؟ شاید لیبی جائی که میلیشای القاعده بی حوصله در مسابقه شرکت می کنند و مهم نیست که چه کسی "انتخابات" آخری را برده بود، همه چیز در رابطه است با قبیله و فامیل و رابطه با سرداران جنگی، نوعی مثل سومالی.

پنجمین محل، برای پیروزی در "انتخابات"، مالی در نظر گرفته شده، برنامه ریزی شده برای انجام آن در وسط شورش در جریان جنگ مخالفان با هزاران نفر از ارتش فرانسه که مشغول اشغال کشورند.

ششمین محل ساحل عاج است که در آن تحت مراقبت بین المللی صدها هزار غیر ساحل عاجی اجازه رای دادن یافته اند (قانون اساسی ساحل عاج مهم نیست) و سپس اعلام شد نماینده محلی بانک جهانی پیروز شد (دوباره صرف نظر از دادگاه قانونی ساحل عاج که اعلام کرد رئیس بانک پیروز شد). و وقتی که این رئیس حاضر بنا به درخواستی آماده تسلیم قدرت نباشد، کاخ ریاست جمهوری توسط نظامیان فرانسه و "محافظان صلح" سازمان ملل به موشک بسته می شود تا رئیس متمرّد تسلیم شود.

شورشها در نیجریه، چاد، نیجر، بوروندی، کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی و طغیانها در

تراست برای کار گذاشتن سرویس های امنیتی غیر مجاز در تمام نسخه های مایکروسافت ویندوز، و وقتیکه این سرویس های امنیتی سوار شدند، آنها می توانند به طور مؤثر تمام سیستم عامل شما را تسویه کنند. «کلید ان اس ای در داخل تمام نسخه های ویندوز، از ویندوز ۹۵. اس. آر. ۲ به بعد موجود است.

او سؤال می کند: « چگونه است که یک مدیر اطلاعات تکنیکی (Information Technology) که حس کند زمانی که آنها یاد می گیرند که در هر نسخه از ویندوز فروش رفته مایکروسافت «درب عقبی» برای ان اس ای کار گذارده شده - سفارشات را برای دولت ایالات متحده به منظور دسترسی به کامپیوتر شما آسان تر می کنند ؟ »

ما بارها اشاره کردیم که جاسوسی گسترده ای نسبت به آمریکائی ها از قبل از واقعه سپتامبر ۲۰۰۱ شروع شده است.



از هر دری، سخنی!

خلاصه ای از مقالاتی که در زیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتاً این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیئت تحریریه

به مخاطره انداختن "دموکراسی" غربی از اتیوپی تا به مالی تفرقه بینداز و حکومت بکن در آفریقا

توماس سی. مونتاین -

۱۸ ژوئن ۲۰۱۳

تفرقه اندازی و حکم رانی در آفریقا قانون امپریالیسم و شیوه "دموکراسی" غربی است و این که امپریالیسم چه گونه آن را در آفریقای نو مستعمره به کار می گیرد، چیزی است که نام "انتخابات" دارد که توسط آن برنده انتخابات تفرقه، در گیری، تسویه قومی، کشتار وسیع و جنگ داخلی را به مثابه نتیجه انتخابات به مردم دیکته می کند.



انتخابات در آفریقا معنای تفرقه بینداز و حکومت بکن است، در بحران مدیریت، مدیریت بحران خلق شده در غرب برای اخاذی و غارت منابع آفریقا که هر روز بدتر می شود و در یک کلام سریعتر مشغول بلعیدن است.

(۱) - آس دموکراسی غربی آن قدر شور شده است که به قول معروف "خان هم فهمید!". صدای آمریکا : نوشته دنیس راس، انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک - ۱۹ تیر ۱۳۹۲
واژه «بهار عربی» همیشه اسم بی مسامی بود. تحول از یک حاکمیت استبدادی به استقرار دموکراسی هیچگاه یک تحول سریع نبوده است. دموکراسی واقعی فقط به معنای برگزاری انتخابات نیست و مستلزم پدید آمدن فرهنگ سیاسی مدارا و احترام به حقوق اقلیت ها و نیز نهادهایی است که حاکمیت قانون را اجرا کنند، باید آمادگی برای پذیرش نتیجه انتخابات، حتی به هنگام شکست به وجود بیاید، باید این آگاهی و شناخت ایجاد شود که حاکمیت به معنای توجه و انحصار قدرت در دست یک گروه و حذف بقیه نخواهد بود.

تخریب بدون پشیمانی دهات

فلسطینیان

رامونا وادی - ۱۸ ژوئن ۲۰۱۳



فرمانده سابق ارتش دفاعی اسرائیل، سرلشکر تیپ حیواتی و سفیر اسرائیل در تانزانیا، اسحاق پونداک، عدم پشیمانی خود را از تخریب دهکده های فلسطینی در سال ۱۹۴۸ با اعلام این که ضرورتی بود در برقراری کشور اسرائیل، بیان داشت. در صحبت در رادیوی ارتش اسرائیل، پونداک تاکید کرد که او با وجدانی راحت می خواهد، "در غیر این صورت تعداد عربها در اسرائیل می توانست یک میلیون زیادتر از آنی باشد که امروز هست."

تلاش پونداک خفه کردن یاد نکبت تاریخ و بدجلوه دادن آن است و خواست افسون سازی با مقایسه مجرد ۱۹۴۸ و زمان حال، در حالی که جزئیات تعیین کننده آن را - حمایت بین المللی از اشغال غیرقانونی

فلسطین توسط اسرائیل فراموش می کند. تحلیل تفسیرهای پونداک از ضربه دسته ای از بی رحم ها، در جنگی که از نظر او افتخار آمیز است، سوء استفاده از کلمات در تعریف قتل عام، و احساسی میهن پرستانه در رابطه با "حق" بی محتوا برای سرزمین ملی یهودی حکایت دارد. خلاصه کردن جنگ تحت عنوان عامل متحد کننده یهودیان را شاید به راحتی بتوان دراهانت به احزاب سیاسی تشخیص داد، که طبق نظر فرماندهان قبلی، یهودیان را مجبور به دسته های جدا از هم می کردند. به کشتار، اجتناب ورزی بی عاطفه و خلاصه شده در شکلی مساعد از نظر عوام فریبی در رابطه با فلسطینیان، به مثابه استعاره ی میهن پرستی، خوش آمد گفته می شود، وقتی که در رابطه با سربازان اسرائیلی تحت فرمان پونداک کشته شدند. فلسطینیان در یاد اسرائیلیها به منظور تعریف و قانونی جلوه دادن، با تنگ نظری صهیونیستی، دید اشغال از جنگ داشتن وارد شده اند. واقعیت پاک سازی قومی در استفاده نادرست پونداک از لغت جنگ نادیده گرفته می شود.

طبق نظر پونداک، اسرائیل در وضعیتی ثابت از ۱۹۴۸ باقی مانده است، علارغم این واقعیت که جامعه بین المللی در برافراشتن قانون بین المللی و دفاع از اسرائیل بی میل است و متحدان اش به عنوان جفا کار در مورد فلسطینیان می باشند. حفظ امنیت بخش جامعی از تشکیل کشور اسرائیل را تشکیل می دهد. در حالی که اسرائیل به هیچ وجه حاضر نیست روایت به تباهی کشاندن مقاومت فلسطینیان را بپذیرد و آن را به تروریسم تغییر داده، قدرت صهیونیستی همچنین آگاه است به این واقعیت که بیان امنیت مربوط است به تکیه گاه حق تاکیدی اسرائیل در هدف قراردادن کشتار کننده گان، عملیات نظام و افسانه ی "حق معنوی" دفاع از کشور که در خاورمیانه با منافع استعماری پا به عرصه وجود گذاشت.

در رویداد بروز جنگی، براساس نظر پونداک، " یهودیان قادر خواهند شد به همان طریقی که در سال ۱۹۴۸ قربانی دادند، عمل کنند." همانند دیگر جنگهای امپریالیستی، حسن تعبیر صدمات جانبی به طور جمعی به کار بسته می شود با قدرتهای برتر در رابطه با مرگهای قابل تحمل هدف گیری شده به سوی مردم. با بیان کشته شدن ۱۴۵ سرباز اسرائیلی که تحت فرماندهی او اتفاق افتاد، پونداک آن را لحظه ای غم انگیز می داند در حالی که به طور بی عاطفه ای فراموش می کند کشتار فلسطینیان بهانه ی

ایجاد کشوری یهودی بود. چنین تاییدهایی تنها برای تقویت دل مشغولی اسرائیل در حفظ اکثریت قومی به بهای تلاش برای برعکس نشان دادن واقعیت تاریخی نکبت، دست کاری نتایج کشتارها در مسخره کردن پیروزی به کار گرفته می شود.

افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت شیر و

تهدید جدی سلامت جامعه

کاهش ۲۲ در درصدی سرانه مصرف شیر با افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت طی دو سال اخیر، سرانه مصرف را از ۸۰ کیلوگرم که نصف میانگین جهانی است به ۶۴ کیلوگرم کاهش داده است، در این میان متخصصان از عواقب وحشتناک کاهش مصرف شیر در کشور خبر می دهند. به گزارش فارس، روز گذشته دبیر انجمن صنایع لبنی از افزایش ۱۵ درصدی قیمت انواع لبنیات خبر داد که قیمت های جدید ۸۱ قلم کالای لبنی از امروز اعلام می شود.

افزایش قیمت محصولات لبنی در حالی صورت می گیرد که پیش از این کارشناسان و متخصصان بهداشتی بارها در خصوص مخاطرات افزایش قیمت محصولات لبنی هشدار داده اند و آنرا تهدیدی جدی برای سلامتی جامعه می دانند.

*افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت بعد از حذف یارانه شیر

البته این هشدارها از دو سال پیش بعد از اجرای هدفمندی یارانه ها در آذر سال ۸۹ و حذف یارانه ۵۰۰ میلیارد تومانی مصرف شیر در تیر ماه ۱۳۹۰ ادامه دارد، اما به رغم این هشدارهای جدی از آن زمان تاکنون بیش از ۲۰۰ درصد قیمت محصولات لبنی افزایش یافته است.

*سرانه مصرف شیر کشور کمتر از نصف میانگین جهانی

دولت تا دو سال پیش سالانه ۷۵۰ میلیارد تومان یارانه (۵۰۰ میلیارد تومان به مصرف کننده و ۲۵۰ میلیارد تومان شیر مدارس) یارانه می داد تا به نوعی محصولات لبنی با قیمت کمتری دست مصرف کننده برسد و سرانه مصرف در جامعه بالا رود اما به رغم این تلاش ها توانست سرانه مصرف را تنها تا نصف میانگین جهانی بالا ببرد.

*سرانه مصرف شیر کشورهای توسعه یافته ۶ برابر ایران

در حالی که سرانه مصرف در دنیا به عنوان شاخص توسعه یافتگی و سلامت جامعه محسوب می شود، میانگین مصرف جهانی شیر ۱۶۵ کیلوگرم، میانگین مصرف



کشورهای توسعه یافته ۵۰۰ کیلوگرم اما میانگین مصرف شیر در کشور ۸۰ کیلوگرم دو سال پیش بود و کشور بر اساس برنامه پنجم توسعه برنامه ریزی کرده است که سرانه مصرف شیر را تا پایان برنامه به ۱۶۸ کیلوگرم برساند.

*مشکل سرانه مصرف شیر از زمان قطع یارانه شروع شد

دولت یارانه ۵۰۰ میلیارد تومان شیر مصرف کننده را در تیر ماه سال ۹۰ قطع کرد با این وعده که با حمایت از تولید و تامین نهاده آنها قیمت تمام شده تولید را پایین بیاورد و از این طریق قیمت شیر کاهش یابد و مصرف کننده بتواند شیر بیشتری بخرد. اما عملاً چه اتفاقی افتاد، دولت ۳۰۰ میلیارد تومان برای تامین نهاده دامداران اعتبار تعیین کرد تا در مدت سه سال قیمت نهاده مدیریت شود اما تنها ۱۰۰ میلیارد تومان آنرا پرداخت کرد، اولاً این میزان اعتبار با یارانه سالانه ۵۰۰ میلیارد تومان که به مصرف کننده داده می شد قابل قیاس نیست و رقم خیلی کمتری بود که بتواند قیمت نهاده را تنظیم کند از سوی دیگر این میزان اعتبار هم کامل پرداخت نشد.

نتیجه این شد که قیمت نهاده ماه به ماه روند صعودی خود را ادامه دهد به طوری که سال گذشته بحران جدی در تامین و قیمت نهاده دام و طیور کشور اتفاق افتاد، قیمت های نهاده به دلیل متکی به واردات بودن - سالانه حدود ۷ میلیون تن واردات نهاده داریم - گرانی ارز، حضور مافیای در بدنه واردات نهاده که سالهاست ریشه دوانده است همه و همه باعث شد که قیمت تمام شده تولید بالا برود.

در این میان طی این دو سال فشار دامداران و صنایع لبنی به سازمان حمایت برای افزایش قیمت شیر مرتب بیشتر و بیشتر می شد و در بسیاری موارد این سازمان که در مقابل تامین نیازهای آنها ناتوان بود بالاجبار تن به خواسته های آنها در مورد افزایش قیمت داد. در دوره های هم سازمان حمایت به دلیل بدهی ۶۰۰ میلیارد تومانی که وزارت صنعت به کارخانه های لبنی داشت درخواست های آنها برای افزایش قیمت را اجابت می کرد. و نتیجه این شد که در طول این دو سال بعد از حذف یارانه شیر قیمت شیر خام و فرآورده های لبنی تا ۲۰۰ درصد افزایش یافت.

***کاهش ۲۲ درصدی سرانه مصرف شیر**
به هر حال بعد از گذشت دو سال از حذف یارانه شیر در حالی که بر اساس برنامه پنجم توسعه قرار است بعد از دو سال سرانه مصرف شیر به ۱۶۸ کیلوگرم یعنی دو برابر

فعلی برسد اما گزارش هایی مبنی بر کاهش سرانه مصرف از میزان فعلی وجود دارد. مشاور صنایع لبنی می گوید: بر اساس مطالعه ای که در شهرهای بالاتر از ۱۰۰ هزار نفر انجام شده است، از دو سال پیش که یارانه شیر حذف شد، سرانه مصرف این ماده حیاتی ۲۲ درصد کاهش یافته است.

در صورتی که این کاهش ۲۲ درصدی را حساب کنیم سرانه مصرف شیر در کشور که قبلاً حدود ۸۰ کیلوگرم بود به حدود ۶۴ کیلوگرم کاهش یافته است.

* توزیع شیر مدارس هم به درستی اجرا نشد

سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان هم به عنوان یارانه شیر مدارس پرداخت می شد تا در طول دوره تحصیلی ۷۰ نوبت به هر دانش آموز شیر داده شود.

اما مشاور انجمن صنایع لبنی معتقد است: حتی این میزان توزیع شیر نیز کافی نبود و دولت به جای اعمال سیاست های مناسب برای افزایش سرانه مصرف شیر در کشور طرح شیر مدرسه نیز به طور ناقص اجرا می شود به طوری که امسال کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی عرضه شیر در مدارس را شاهد هستیم و ۷۰ نوبت توزیع سالهای گذشته به ۳۰ نوبت می رسد.

یکی از دلایلی که برای عدم توزیع مناسب شیر مدارس مطرح می شود عدم همکاری کارخانه های لبنی است اما مدیرعامل یکی از کارخانجات لبنی خراسان رضوی می گوید: پول کارخانه های لبنی را نمی دهند، در مهرماه سال گذشته با آموزش و پرورش خراسان شمالی، رضوی و جنوبی قرارداد توزیع شیر استریل در سطح استان را امضاء کردیم، اما متأسفانه ۵۰۰ میلیون تومان هزینه توزیع شیر در سطح استان پرداخت نشده است.

به هر حال همه علل و عوامل گفته شده منجر به این شد که مصرف شیر کشور کاهش یابد و با ادامه افزایش قیمت ها احتمال کاهش دوباره سرانه مصرف وجود دارد.

*مخاطرات جدی در کمین جامعه

فوائد شیر بر کسی پوشیده نیست و در این مجال هم فرصت بیان آن نیست، اما بر اساس اظهار نظر متخصصان این ماده حیاتی هیچگونه جایگزینی در طبیعت ندارد. در زیر به برخی ضررهایی که در صورت استفاده کمتر از این ماده حیاتی گریبانگیر انسان و جامعه می شود اشاره می شود.

پوکی استخوان، کاهش مقاومت فرد در برابر بیماری ها، کوتاهی قد به ویژه در کودکان و نوجوانان، ابتلا به بیماری های استخوانی،

دندان و لثه، ایجاد شرایط مناسب برای ابتلا به بیماری های عفونی و مشکلات بینایی از جمله آنها است.

مشاور انجمن صنایع لبنی با بیان اینکه سالمندان کشور ۲۰ سال زودتر از سالمندان سایر کشورها زمینگیر می شوند و هزینه های زیادی را روی دوش خانواده ها می گذارند، می گوید: در کشور شاهد گذر جمعیتی بسیار وحشتناکی هستیم و همه سکوت کرده اند، سونامی سالمندی در کشور وجود دارد، ۸ درصد جمعیت کشور معادل ۶/۲ میلیون نفر سالمند هستند و طی ۴ دهه آینده این جمعیت ۲۴ درصد یعنی ۲۶ میلیون نفر خواهد رسید.

* ۱۲۰۰ میلیارد تومان هزینه شکستگی استخوان

چمنی در حالی که مصرف شیر را برای جلوگیری از پوکی استخوان موثر می داند معتقد است: سالانه ۱۲۰ هزار شکستگی ناشی از پوکی استخوان وجود دارد و اگر هزینه درمان این شکستگی ها محاسبه شود سالانه ۱۲۰۰ میلیارد تومان برای کشور هزینه دارد.

در هر ساعت ۲/۳ نفر به دلیل عارضه شکستگی استخوان در کشور می میرند و هر ساعت ۶/۸ نفر به دلیل پوکی استخوان برای تمام عمر زمینگیر می شوند.

* یارانه بخش کشاورزی در کشورهای پیشرفته

به هر حال اگر سرانه مصرف شیر در کشورهای پیشرفته ۴ برابر کشورمان است به دلیل حمایت هایی است که از سوی دولت آنها برای تولید کننده، مصرف کننده و بازار مصرف انجام می دهد. هنوز هم در کشورهایی مانند کره و ژاپن یارانه به بخش کشاورزی داده می شود. (آسمان دیلی نیوز - ۹۲/۴/۱۸)

گوشت قرمز یکساله ۵۵،۶ درصد گران شد

بانک مرکزی افزایش قیمت خرده فروشی ۱۱ گروه کالایی شامل ۴۱ قلم مواد خوراکی در تهران در هفته منتهی به ۱۴ تیرماه جاری را اعلام کرد که بر اساس آن بهای لبنیات ۴۰،۷ درصد، تخم مرغ ۵۹،۷ درصد، برنج ۶۴،۲ درصد، حبوب ۱۱۱،۱ درصد، میوه های تازه ۱۸،۳ درصد، سبزی های تازه ۸۴،۴ درصد، گوشت قرمز ۵۵،۶ درصد، گوشت مرغ ۱۱،۹ درصد، قند و شکر ۴۱،۲ درصد، چای ۱۰۰،۸ درصد و روغن نباتی ۵۸،۲ درصد نسبت به دوره



▶ مشابه سال قبل افزایش داشته است. به گزارش خبرنگار مهر، بانک مرکزی متوسط قیمت خرده فروشی برخی از مواد خوراکی در تهران در هفته منتهی به ۱۳۹۲/۴/۱۴ اعلام کرد که بر اساس این گزارش در گروه لبنیات بهای ماست غیر پاستوریزه افزایش داشت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. بهای تخم مرغ کاهش یافت و شانه ای ۶۹۰۰۰ الی ۹۳۰۰۰ ریال فروش می رفت. در گروه برنج، قیمت برنج داخله درجه یک و درجه دو اندکی افزایش یافت. در گروه حبوب، بهای لوبیا چیتی کاهش یافت ولی قیمت سایر اقلام این گروه افزایش یافت.

در هفته مورد بررسی، در میداين زیر نظر شهرداری اقلام میوه و سبزی تازه که تعدادی از آنها از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داشتند، به نرخ مصوب سازمان میداين میوه و تره بار عرضه می گردید. میوه فروشی های سطح شهر اقلام مرغوب میوه و سبزی تازه را عرضه می نمودند که در گروه میوه های تازه بهای خربزه افزایش ولی قیمت سایر اقلام این گروه کاهش داشت. در گروه سبزی های تازه بهای کدوسبز و سبزی های برگی افزایش ولی قیمت سایر اقلام این گروه کاهش یافت.

در این هفته بهای گوشت گوسفند و گوشت تازه گاو و گوساله ثابت بود و قیمت گوشت مرغ کاهش جزئی داشت. همچنین بهای قند، شکر، چای خارجی و انواع روغن نباتی بدون تغییر بود.

گروه های مواد خوراکی لبنیات و تخم مرغ

در هفته مورد گزارش، در گروه لبنیات قیمت ماست غیر پاستوریزه معادل ۱,۶ درصد افزایش یافت و بهای سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل بدون تغییر بود. قیمت تخم مرغ معادل ۱,۷ درصد کاهش داشت.

برنج و حبوب

در هفته مورد بررسی، در گروه برنج بهای برنج داخله درجه یک و درجه دو به ترتیب معادل ۰,۴ درصد و ۰,۳ درصد افزایش یافت. در گروه حبوب، قیمت لوبیا چیتی معادل ۱,۶ درصد کاهش ولی بهای سایر اقلام این گروه افزایش داشت.

میوه ها و سبزی های تازه

در هفته مورد گزارش، در گروه میوه های تازه قیمت خربزه معادل ۲,۶ درصد افزایش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین ۱,۶ درصد تا ۱۲,۹ درصد کاهش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت کدوسبز معادل ۲۳,۵ درصد و سبزی های برگی ۰,۹

درصد افزایش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین ۰,۸ درصد تا ۱۳ درصد کاهش داشت. **گوشت قرمز و گوشت مرغ**

در این هفته قیمت گوشت گوسفند و گوشت تازه گاو و گوساله ثابت بود و بهای گوشت مرغ معادل ۰,۹ درصد کاهش یافت.

قند، شکر، چای و روغن نباتی

در هفته مورد بررسی، قند، شکر، چای خارجی و انواع روغن نباتی بدون تغییر بود. بر اساس این گزارش متوسط قیمت خرده فروشی گروه لبنیات در هفته مورد بررسی ۴۰,۷ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل، قیمت تخم مرغ ۵۹,۷ درصد، گروه برنج ۶۴,۲ درصد، گروه حبوب ۱۱۱,۱ درصد، میوه های تازه شامل ۱۰ نوع میوه ۱۸,۳ درصد، سبزی های تازه ۸۴,۴ درصد، گوشت قرمز ۵۵,۶ درصد، گوشت مرغ ۱۱,۹ درصد، قند و شکر ۴۱,۲ درصد، چای ۱۰۰,۸ درصد و روغن نباتی ۵۸,۲ درصد افزایش داشته است. (همانجا - ۱۷ تیر ۱۳۹۲)



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org

سایت آینه روز

www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری

www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین

www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر

<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

در جبهه جهانی کمونیستی ... بقیه از صفحه آخر

تا سال ۱۹۱۹ را چنین تعریف نمود:

«انترناسیونال اول مبارزه بین المللی پرولتاریائی را در راه سوسیالیسم پی ریزی کرد. انترناسیونال دوم مشخصه ی دوره ای بود که در آن زمینه برای گسترش وسیع و توده ای جنبش در تعدادی از کشورها فراهم گشت. انترناسیونال سوم محصول کار انترناسیونال دوم راجع کرد، پلیدی های اپورتونیستی، سوسیال - شوونیستی، بورژوائی و خرده بورژوائی را دور انداخت، و شروع به به کارگیری دیکتاتوری پرولتاریا نمود.» (انترناسیونال سوم و مقام تاریخی اش، کلیات آثار لنین، جلد ۲۹، ص ۳۰۷) لنین در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شروع انقلاب بین المللی را می دید. هدف انترناسیونال کمونیستی تشکیل شده در ۱۹۱۹ عبارت بود از تداوم بخشیدن به انقلاب سوسیالیستی جهانی. شکل آن به مثابه حزب جهانی سازمان یافته بر اساس مرکزیت - دموکراتیک، با واحدهای کشوری، منطبق با این هدف بود. وقتی که انقلاب جهانی قادر به مادیت بخشیدن نشد و سرمایه داری ثباتی نسبی یافت، شکل سازماندهی جنبش انترناسیونال کمونیستی می بایستی با این تکامل اوضاع خود را منطبق می ساخت. این امر اتفاق نیافتاد. مرکزیت دموکراتیک به طور فزاینده ای به این خاطر به مرکزیت بوروکراتیک تغییر یافت. تجارب به طور عمده مربوط به اتحادشوروی به صورت مکانیکی در مبارزه طبقاتی در مستعمرات و هم چنین کشورهای سرمایه داری به اشتباهاتی جدی منجر شده و باعث گردید که جلب توده ها به سوسیالیسم با مشکل روبه روشود. تنها جایی که به کارگیری خلاق مارکسیسم - لنینیسم با شرایط مشخص صورت گرفت و انقلاب موفق گشت، چین تحت رهبری ماوتوتسه دون بود. منحل کردن انترناسیونال کمونیستی در سال ۱۹۴۳ دیر صورت گرفت.

بعدها کنگره بیستم حزب در سال ۱۹۵۶، بورژوازی جدید تحت رهبری خروشچف برتری یافت تا فعالیت مستقل ایده نولوژیک توسط احزاب ملی کمونیست را مانع شده و عادت اطاعت آنان از رهبری اتحادشوروی به شیوع رویونیسم مدرن در جنبش کمونیستی انجامید. وقتی که حزب کمونیست چین در سال ۱۹۶۳ «پلمیک در مورد خط مشی عمومی جنبش کمونیستی بین المللی» را آغاز نمود و به طرد رویونیسم پرداخت، نتیجه عبارت شد از ایجاد موجی از



احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست جدید در سراسر جهان. چین مائوتسه دون به مرکز سازمان یافته جنبش انقلابی تبدیل شد.

روابط دوجانبه شکل غالب همکاری بین احزاب مارکسیست - لنینیست شد. مائوتسه دون بزرگ ترین نقش را در استقلال اکثر احزاب جوان داشت، که کمک مادی و معنوی از حزب کمونیست چین دریافت می کردند. با وجود این، در روابط بین المللی عملی حزب کمونیست چین، گرایش نسبت به مداخله غیرمجاز نیز دیده شد. در آلمان غربی، در دهه ی ۷۰ سازمانهای پر سر و صدای «م ل» خرده - بورژوا به مثابه احزاب برادر معرفی می شدند. حزب کار آلبانی پراتیک مشابهی داشت. این تأثیری منفی در روند حزب سازی در آلمان گذاشت، به قدر کافی مشکل ساز شد چون که به سازمانهای خرده - بورژوا وزنه ای اضافی می داد.

ام.ال.پ.د. که در آن وقت مجمع کارگران کمونیست آلمان (ک.آ.ب.د) نامیده می شد، روی موضع مستقل خود پافشاری نمود. بعد از درگذشت مائوتسه دون، وقتی که رویزیونیستهای چین به رهبری دن سیائو پین قدرت را گرفتند، و انورخوجه صدرحزب کارآلبانی شروع به حمله به اندیشه مائوتسه دون نمود، روند بی سابقه انشقاق و تکه تکه شدن جنبش انقلابی به راه افتاد. در این نقطه فقدان ساختارهای بین المللی میان مارکسیست - لنینیستها نتایج منفی به بار آورد. در حالی که با رشد مداوم بین المللی شدن شیوه تولید سرمایه داری، ضرورت انقلاب بین المللی در حال افزایش بود، جنبش بین المللی مارکسیست - لنینیستی و طبقه کارگر به طور کاملی اتمیزه شده بود. به نظرمی آمد که به این ترتیب امپریالیسم با حربه های دگماتیسم و رویزیونیسم موفق به پیروزی نهائی بر مارکسیسم - لنینیسم شده است.

رویزیونیسم تهدید ایده نولوژیک عمده در درون جنبش بین المللی مارکسیست - لنینیست و طبقه کارگر است. این نوعی ایده نولوژی بورژوائی، محصول شیوه تفکر خرده - بورژوائی در درون جنبش طبقه کارگر می باشد. عصاره ی آن عبارت است از تیره و تار کردن تمایز بین سرمایه داری و سوسیالیسم. بروز رویزیونیسم پدیده قانون مندی است، هم در جامعه سرمایه داری و هم در ساختمان سوسیالیسم.

درکنگره بیستم حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۵۶، بوروکراتهای فاسد خرده -

بورژوا غلبه یافتند و به صورت بورژوازی جدید به کار پرداختند. رویزیونیسم مدرن پایه ایده نولوژیکی سیستم جدید حاکمیت بوروکراتیک و سرمایه داری دولتی انحصاری آنهاست.

رویزیونیسم خطرناک است چون که ماهیت واقعی خودش را با لفاظی مارکسیست - لنینیستی می پوشاند. اما مثل هر فریبی، رویزیونیسم مدرن نیز می تواند توده هارا طی مدتی فریب دهد. رویزیونیسم مدرن عمیقتر و سراسری تر در کشورهای سابقا سوسیالیست نیز مستقر شد، با استقرار مجدد عمیق تر و سراسری تر سرمایه داری در کشورهای سابقا سوسیالیست، رویزیونیسم مدرن تر خودش را بیشتر با واقعیهای سرمایه داری تطبیق داد. نهایتا، گورباچف با **پرستوریکا** و **گلاسنوست** به طور آشکاری نفوذ یابی در یک دیگر نظام اتحادشوروی با سرمایه داری انحصاری دولتی غربی را تبلیغ کرد. این تضاد بین سرمایه داری واقعی بوروکراتیک و پوسته شبه سوسیالیستی را تا بدان جا شدت بخشید که نهایتا منفجر شد. فروپاشی ساختار حاکمیت سرمایه داری بوروکراتیک در اتحادشوروی شکست تاریخی رویزیونیسم مدرن بود.

ولی رویزیونیستهای مدرن با تبلیغات سرمایه دارانه در مورد شکست سوسیالیسم سقوط کردند. از نظر اریک هونکر این « بزرگ ترین شکست سیاسی جهانی برای جنبش طبقه کارگر از زمان ایجادشده بود،»^(۱) از نظر هربرت میس صدرحزب کمونیست آلمان، این «بزرگ ترین شکست سوسیالیسم بود»^(۲) و از نظر لودو مارتس، این «عقب نشینی بزرگ تمام نیروهای کمونیست و مترقی سراسر جهان» بود^(۳).

شهادت دهی های اشتباه ورشکسته گی آشکار رویزیونیسم مدرن متعلق به دوفتر از نظریه پردازان اصلی حزب کمونیست آلمان (د.ک.پ.)، ویلی گرنس و روبرت اشتیگر والد می باشد. در مقاله ای تحت عنوان «در مورد تکامل برنامه د.ک.پ. (۱۹۶۸-۱۹۸۹)» آنها توجیه فکر شده ای را در مورد شکست سیاستهای رویزیونیستی شان ارائه دادند. آنها ۴ دلیل برای « جلوه ی ظاهری دادن به تبلیغات سوسیالیسم» ذکر کردند، این طریقی بود برای تجلیل غیرانتقادی از به اصطلاح سوسیالیسم حقیقی:

«اولا، رهبری د.ک.پ.، از جمله رهبری مرکزی، اطلاع ناکافی از روند تکاملی متضاد کشورهای سوسیالیستی داشت. در بحث با نماینده گان رهبری این کشورها، طی سفرهای نماینده گان، و غیره، موضوع

مشکلات و تکاملات نادرست رهبری شده تقریبا هیچ گاه بررسی نشد. اساسا چیزهای خوب، و گاهی هم حتا دهکده های پوتمکینی نشان داده می شدند.

اما دومین عامل عبارت بود از این که اکثرا آرزو محتوای بحث بود، نظیر این که ما تنها می خواستیم موفقیت سوسیالیسم را ببینیم و چشمان مان را به جریانات بی نتیجه ببندیم... سومین دلیل در مورد ارائه رهائی سوسیالیسم از چین و چروک بایدگفت که دید تئوریک ما از سوسیالیسم در سطحی نبود که مارکسیسم کلاسیک در مورد دو فاز جامعه ی کمونیستی ارائه داده بود. ما گاهی کیفیتهای سوسیالیسم را متعلق به مرحله بالاتر، کمونیسم، در این جوامع نسبت می دادیم که تنها می توانستیم در فاز بالاتری به دست بیاوریم...

نهایتا، چهارم، رهبری اس.ا.د. مستقما وارد مداخله در موضوعی شد که ما در مورد سوسیالیسم به طور عام و جمهوری دموکراتیک آلمان به طور مشخص گفته بودیم. تلاشها برای تصویر سوسیالیسم حقیقی با آگاهی زیادتر از مسائل قربانی این مداخله شد. « (۲۵ سال د.ک.پ. - تاریخ بی پایان، ص. ۲۵)

اما آنها پنجمین نکته تعیین کننده رافراموش کردند: روحیه خرده - بورژوائی رویزیونیستی که آنها را کور کرد و کر در انجام هر انتقاد مارکسیست لنینیستی. گرنس و اشتیگر والد با تحلیل مارکسیستی - لنینیستی در مورد «استقرار سرمایه داری در شوروی» در سال ۱۹۷۲ آشنا بودند. ام.ال.پ.د. اثبات اساسی و مشخص در مورد خیانت به سوسیالیسم را در **راه انقلابی** و در جزوه های متعدد و مقالاتی ارائه داده بود. اما نویسنده گان رویزیونیست گرنس و اشتیگر والد اینها را به مثابه «تبلیغات سیا» رد کردند، به ام.ال.پ.د. تهمت زدند و به بدگویی از ویلی دیکهوت پرداختند. انتظار داشتن از این گونه اشخاص به اشاره کردن و نشان دادن شرم خود، خواست زیادی است، چون که آنها فاقد آگاهی پرولتاریائی می باشند. همان طور که گفته شد آنها به مثابه رهبری خرده - بورژوائی رویزیونیستی به هر حال تغییر یافته نمی توانند «تئوریهایی جنبش طبقه کارگر» باشند. در یک بحث عمومی در گلزن کیرشن در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲، ویلی گرنس به عنوان مثال تاکید کرد که «در رابطه با جمهوری دموکراتیک آلمان و دیگر جوامع واقعا سوسیالیست»، باید به عنوان «سوسیالیسم دولتی، سوسیالیسم نوع فرمان روا، سوسیالیسم اداری - بوروکراتیک، اما باز هم سوسیالیسم یادکرد.» ()

وفاداری به انترناسیوالیسم پرولتری عضویت در حزب جهانی پرولتاریاست



«آیا جمهوری دموکراتیک آلمان سوسیالیستی بود؟»، اسناد بحث ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲، راکلینگ هاوس، ۱۹۹۳، ص. ۱۶) او گفت مقصودش از این چیست: «قدرت سیاسی طبقه کارگر - همان طور که گفته شد - به میزان زیادی به قدرت حزبی، حتا رهبری حزب، و درآخسر دبیرکل در لحظه ویژه ای تنزل یافت.» (همان جا، ص. ۱۷)

درمورد «جامعه سوسیالیستی آینده» او درخواست کرد:

«اجتماعی شدن واقعی جای ملی کردنهای بیشتر می نشیند از طریق خود اداره کردن سوسیالیستی، پیش روی مردم کارکن به صاحبان فعلی وسایل تولید، که بتوانند آنها را کنترل کنند، به کاربرند و به طور خلاق آنها را با بازدهی تولیدی بالا تکامل بخشند.» (همان جا، ص. ۱۷)

در این تلاش نومیدانه درحمایت از رویزیونیسمدرن، دابلو گرنس خود را در تضادی گیرانداخته که نمی تواند حل کند: اگر ما از او در اتحادشوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان و غیره پیروی کنیم، ما نه با «سوسیالیسم حقیقی» بلکه با «سوسیالیسم ظاهری» مواجه می شویم که در آنها قدرت اقتصادی و سیاسی در دستهای طبقه کارگر نیست و جامعه فرماندهی شده بوروکراتیک توسط اداره ها صورت می گیرد. طبق آن، این بوروکراسی واقعا «عنصر سوسیالیستی» جامعه بود چون که فرمان روائی سوسیالیسم بر مردم را داشت. این مسخره کردن مارکسیسم - لنینیسم است. فروپاشی سرمایه داری بوروکراتیک ورشکسته گی آشکار رویزیونیسمدرن است. این تاییدی است بر مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون، که ورشکسته گی آن را دهها سال قبل پیش بینی کرده بود، این حتا نه نتیجه کار انقلاب جدید پرولتاریائی بلکه نتیجه از دست دادن رقابت درمقابل انحصارهای دولتی نوع غربی سرمایه داری بود. زمان دفاع صرف از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو تسه دون علیه رویزیونیسمدرن گذشته است. ضروری است که امروز حمله بیشتری نمود و خیزش جدید مبارزه درسطح جهانی برای سوسیالیسم را تدارک دید.

در جریان سمینار «۱۰۰ ساله گی مائوتسه دون»، در نوامبر ۱۹۹۳ در گلزن کیرشن آلمان، «اعلامیه ای عام درمورد مائوتسه دون» انتشار یافت که توسط ۱۳ حزب و سازمان انقلابی تاکنون امضا شده است. اعلامیه بیان می کند:

«انقلابیون پرولتاریائی که اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون دارند، امروز قاطع ترین، پیشروترین و مستحکم ترین دسته پرولتاریای بین المللی اند. آنها تجزیه و فروپاشی احزاب رویزیونیسمدرن و رژیمهای حاکم، بازم بدتر شدن بحران نظام سرمایه داری، خیزش مجدد درحال وقوع جنبش ضد امپریالیستی و سوسیالیستی و آینده سوسیالیسم و پیروزی نهائی کمونیسمدرجهان را بهتر و عمیقتر درک می کنند.»

این سند با ارزشی است که چه گونه گی ورشکسته گی رویزیونیسمدرن را برای تجدید ساختمان انترناسیونال مارکسیست - لنینیست و جنبش طبقه کارگر نشان می دهد. تحت شرایط تولید بین المللی، همکاری چندجانبه احزاب و سازمانهای انقلابی ضروری است، بدون این که همکاریهای دوجانبه غیر ضروری شمرده شوند. به سخن کلی، خصلت بین المللی انقلاب سوسیالیستی گردهم آئی عملی فشرده ازجانب جنبش انقلابی درهماهنگی بین المللی مبارزه طبقاتی پرولتاریائی و بالا بردن سطح آن را طلب می کند.

به هر حال، جنبشها از کشوری به کشوردیگر متفاوت باقی می مانند و استراتژی و تاکتیکهای متفاوت مشخصی دارند. تضاد بین خصلت عام انقلاب جهانی و ویژه گیهای مشخص در هر کشور یکی از مسائل عمده ای است که در شکل جدید انترناسیونال مارکسیست - لنینیست و جنبش کارگری باید حل شود. این روند برقرار کردن وحدت دیالکتیکی تئوری و پراتیک **درسطح جهانی است**، که بالاتراز همه توسط رویزیونیستهای مدرن، و هم چنین توسط دگماتیسم و سکتاریسم تخریب شد.

شیوه تفکر خرده - بورژوائی در هر کشور پایه ای مادی دارد، که در هر کشور به صورت مشخصی تظاهر می یابد، مثلا در کشورهای سرکوب شده نو مستعمره، درمقایسه با کشورهای امپریالیستی به علت اختلافات در ساختارهای طبقاتی و سطوح رشد اجتماعی - اقتصادی متفاوت است. نقش سلطه گر و برد جهانی رسانه های توده ای امپریالیستی، شیوه تفکر خرده - بورژوائی را به سلاح موثری علیه مبارزه طبقاتی بین المللی پرولتاریائی تبدیل می کند. غلبه یافتن شیوه تفکر پرولتاریائی بر خرده - بورژوائی در مبارزه طبقاتی و ساختمان حزب راه حل کلیدی درآمد سازی خیزش بین المللی مبارزه برای سوسیالیسم می باشد.

همکاریهای چندجانبه مارکسیست - لنینیستها که تماس فشرده ای با توده ها دارند

فاکتور هدایت کننده در ایجاد آگاهی طبقاتی انترناسیونالیستی و اشکال مناسب برای مبارزه و سازماندهی است. این راه توسط **کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست** اتخاذ شد که می بایستی برای اولین بار در ۱۹۸۸ باهم ملاقات کنند. چهارمین کنفرانس بین المللی در آوریل ۱۹۹۴ برگزار شد. ۱۷ حزب و سازمان از ۴ قاره در آن شرکت نمودند. ۵ حزب و سازمان دیگر درآمد سازی شرکت داشتند، ولی به دلیل فوری سیاسی نتوانستند حضور یابند. درمورد چیزهای دیگر، چهارمین کنفرانس بین المللی قطعنامه «اوضاع جنبش انقلابی بین المللی و دورنمای کنفرانس بین المللی» قطعنامه می گوید: «ضروری است که **کنفرانسهای بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست** در فاصله های معینی تشکیل شوند. موضوع عمده این کنفرانسها، که در کشور های مختلف صورت می گیرند، تبادل موضوعات ایده ئولوژیک - سیاسی مهم می باشند. اساس برای کنفرانس بین المللی دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون در مبارزه علیه رویزیونیسمدرن است. همکاری بین احزاب و سازمان های بین المللی مارکسیست - لنینیست بر اساس اصول زیر است:

الف - استقلال و برابری، احترام متقابل، حمایت متقابل و همکاری.

ب - عدم دخالت در امور داخلی و هم چنین روابط منطقه ای دوجانبه هر حزب یا سازمان با احزاب و سازمانهای دیگر.

پ - توافق و اتفاق نظر در تصمیمات گرفته شده.

ت - تحقق وحدت تدریجی گام به گام؛ عدم

مجادله آشکار بین احزاب/سازمانها و انتقاد یا حمله آشکار به یک دیگر.»

چهارمین کنفرانس بین المللی بدین ترتیب به **طور عینی** شیوه تفکر پرولتاریائی را به مثابه اساس تجدید ساختمان، برقراری روش ایده ئولوژیک - سیاسی مباحثه همراه با گامهای عملی برای هماهنگی و انقلابی کردن مبارزه طبقاتی بین المللی و تحقق تدریجی وحدت بر پایه برابری تعریف کرد. پیروزی بزرگ کنفرانس بین المللی باعث بروز عکس العمل ضد جریان خرده - بورژوا شد. اساس ایده ئولوژیک اش **رویزیونیسمد جدید** است، و نماینده اصلی اش در اروپای غربی حزب کار بلژیک می باشد. این حزب پیشنهاد وحدت بین المللی بدون اصول مارکسیست - لنینیستها و گرایشات رویزیونیسمد را مطرح می کند. بدین ترتیب، مبارزه دومی درمورد متحد شدن جنبش مارکسیست - لنینیست و طبقه کارگر



بین المللی شروع شد.

محتوای رویزیونیسم جدید چیست؟ رویزیونیستهای جدید پایه علمی داشتن افزوده های مائوتسه دون درمورد رویزیونیسم مدرن تحت رهبری خروشچف را درکنگره بیستم حزب کمونیست اتحادشوروی و فرضیه قدرت توسط بورژوازی جدید که دیکتاتوری پرولتاریا را از بین برد، انکار می کنند. این به معنای شروع استقرار مجدد سرمایه داری در شکل تاریخی جدید سرمایه داری بوروکراتیک است. در برابر این، لودو مارتنس اعلام کرد:

« طرح مسئله صرفا از نظر لغوی: دیکتاتوری پرولتاریا یا دیکتاتوری بورژوازی بزرگ ساده کردن واقعیت به صورت مکتبی است. عناصر جدید و قدیمی بورژوائی ۳۰ سال لازم داشتند تا از کودکی قبلی به بلوغ، نیرو گرفتن و تحکیم موقعیت شان از نظر سیاسی، اقتصادی و حیطة ی ایده ئولوژیکی گذر کنند. روند فساد شروع شده در سال ۱۹۵۶، سه دهه لازم داشت تا سوسیالیسم رانکار بگذارد.» (لودو مارتنس، اتحاد شوروی - ضد انقلاب مخملی، بروکسل، ان.د.پ.، ص ۲۱۱)

بدین ترتیب از نظر لودو مارتنس، طرح مسئله قدرت تنزل دادن واقعیت به «مکتب گرایی» (کتاب خرد) است. با بیان این، او الفبای مارکسیسم را انکار می کند. لنین بدون اشتباه تاکید کرد که «آلترناتیو دیگری جز دیکتاتوری بورژوائی یا دیکتاتوری پرولتاریائی وجود ندارد. رویاهای نوع راه سومی ارتجاعی، خرده - بورژوائی سوگوارانه اند.» («کنگره اول انترناسیونال کمونیستی»، - کلیات آثار، جلد ۲۸، ص. ۴۶۳)

خصلت نوسانی شیوه تفکر خرده - بورژوائی از ویژه گی رویزیونیسم جدید است و وقتی که گورباچف در سال ۱۹۸۵ پدیدار شد، خرده - بورژواها به دنبال او افتادند. لودو مارتنس مغرور در سال ۱۹۹۱ نوشت:

« در این کویر ایده ئولوژیکی رفیق گورباچف ظاهر شد. او همانند توفانی، کشوری چنان بی حال را تکان داد، تمامی قلبها و مغزهای خفته را لرزاند.» (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - ضد انقلاب مخملی، ص. ۲۱) کور شده توسط ظواهر، لودو مارتنس این موقعیت را برای شروع ارزیابی مجدد از رشد سوسیالیسم بعد از ۱۹۵۶ و تجدیدنظر پی ریزیهای برنامه ای PTB، (حزب کار بلژیک) به دست گرفت:

« ارزیابی مجدد به معنای مقابله با تزهائی است که پایه اقتصادی و قلب ساختار سیاسی،

علا رخم اثر تباه کننده رویزیونیسم غالب در رهبری، سوسیالیستی باقی مانده بود. ارزیابی مجدد به معنای سنجش امکان تکامل مثبت، تولد مجدد مارکسیستی - لنینیستی است.» (همان جا، ص ۲۷)

بر اساس این تز خرده - بورژوائی، پایه اقتصادی سوسیالیستی می تواند حنا تحت ساختار بورژوائی رویزیونیستی به رشد ادامه دهد. اما سوسیالیسمی که در آن طبقه کارگر از اعمال قدرت کنار زده شده و بر اساس مارکسیسم - لنینیسم ساخته نشود در واقع چیز دیگری غیر از رویای خرده - بورژوائی سوسیالیسم نیست.

وقتی که اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید، رویزیونیستها گورباچف را مقصر اصلی دانستند. اما گورباچف استقرار مجدد سرمایه داری را، آن طور که حزب کار بلژیک در «پیشنهاد وحدت جنبش کمونیستی بین المللی» مطرح نمود، فراهم نساخت. برعکس استقرار مجدد سرمایه داری عروج گورباچف را مهیا نمود. او بیشتر کامل کردن استقرار مجدد سرمایه داری و جبهه گیری با سوسیال دموکراسی بین المللی را انجام داد.

رویزیونیسم جدید استقرار مجدد سرمایه داری توسط خروشچف را در اتحاد شوروی تیره و تار جلوه می دهد. این رویزیونیسم سوسیال - امپریالیسم را در شوروی انکار می کند و ورشکسته گی رویزیونیسم مدرن را می پوشاند.

آن طور که در پیشنهاد حزب کار بلژیک آمده، این عوام فریبی است که گفته شود انشعاب در جنبش کمونیستی بعد از سال ۱۹۵۶ «عمده تا خط رویزیونیستی مورد قبول خروشچف، بود اما هم چنین از تحت تاثیر موضع چپ افراطی» مائوتسه دون قرار گرفتن ناشی شد.

ریشه های تئوریک رویزیونیسم التقاط گرایی و سفسطه گری است. در سال ۱۹۸۷ در جواب کمیته مرکزی حزب کار بلژیک به کمیته مرکزی ام.ال.پ.د. آمده است: «هر چند که نمی توان انکار کرد که تزهائی رویزیونیستی و پراتیکهای رویزیونیستی در اکثر کشورهای سوسیالیستی بود، اما کمتر اطمینانی هست که تحلیلهای، کار علمی و تصمیمات سیاسی مهر مارکسیسم - لنینیسم داشتند.» (نامه ۱ ژوئن ۱۹۸۷)

مارتس و حزب کار بلژیک «پیشنهادات درمورد وحدت جنبش بین المللی کمونیستی» خود را مبتنی بر این تحریف دلخواهانه ی « شما نکته ای دارید، باز هم دوباره» شیوه ای که ماهیت راه حلها را تیره و تار می

کند. طبق پیشنهادات «امروز امکان غلبه بر جدائیها و وحدت احزاب مارکسیست - لنینیست سنتا تقسیم شده به پرو روسی، پرو چینی، پرو آلبانی، پرو کوبائی یا خطوط مستقل موجود است. (پیشنهادات حزب کار بلژیک درمورد وحدت جنبش بین المللی کمونیستی» به تاریخ ۳ مه ۱۹۹۴)

آش شله قلمکاری مانند این محکوم به شکست است. طرح غیر اصولی برای وحدت، ماهیت تلاش بی هوده برای آشتی دادن تضادهای آنتاگونیستی تشکیل می دهد. تجربه ساختمان احزاب مارکسیستی - لنینیستی در دهه ی هفتاد می آموزد: آنا رشیسم، تروتسکیسم، رویزیونیسم، اپورتونیسم راست و چپ و مارکسیسم - لنینیسم به خاطر تفکر خرده - بورژوائی نیروهای دوباره با هم مخلوط شدند، نیروهای که معمولا از جنبش دانش جوئی برخاسته بودند. « جنبش م.لامی» خرده - بورژوائی قادر به ایجاد حزب انقلابی نبود. نیاز به غلبه یافتن بر شیوه تفکر خرده - بورژوائی در مبارزه علیه انحلال طلبی برای فراهم ساختن ساختمان حزب مارکسیست - لنینیستی آلمان (ام.ال.پ.د.) بود.

باتوجه به ماهیت سیاستهای رویزیونیستی، منطقی است که شکل جدید رویزیونیسم به دنبال ورشکسته گی رویزیونیسم مدرن باید ظاهر می شد. لنین در نوشته اش درمورد «مارکسیسم و رویزیونیسم» این ایده را مطرح ساخت که رویزیونیسم:

« ممکن است اشکال بی نهایت گوناگونی به خود بگیرد، و این کم و بیش درمورد هر مسئله «جدید»، کم و بیش غیر منتظره و ناشی از حوادث پیش بینی نشده، حتا ولواین که مشی اساسی تکامل را برای مدتی کوتاه به نوعی یا نوع دیگر تغییر دهد همیشه به طور اجتناب ناپذیری به رویزیونیسم منجر می شود. ناگزیری رویزیونیسم با ریشه های طبقاتی اش در جامعه مدرن تعیین می شود. رویزیونیسم پدیده ای جهانی است.» (لنین، مارکسیسم و رویزیونیسم - کلیات آثار، جلد ۱۵، ص. ۳۸)

حزب کار بلژیک می خواهد از طریق شیوه تفکر خرده - بورژوائی به مثابه پایه وحدت بین المللی انقلابی ها اقدام کند. جوهر رویزیونیسم، تیره و تار کردن تمایز بین سرمایه داری و سوسیالیسم است، اساسا در رویزیونیسم جدید تغییر نمی یابد. آن چه که از نظر ایده ئولوژیکی نئو رویزیونیسم را خطرناک می کند انتقاد ظاهری اش از رویزیونیسم خروشچفی است، پذیرش ظاهری کلاسیک مارکسیسم - لنینیسم، از جمله استالین و مائوتسه



خدمتی نکرده بود. او تجربه ای در سرمایه گذاری نظیر شرکت خدمات اجتماعی گروه سرمایه سی.ا. نو. کارلتون، ال.ال.سی. و خدمات توزیع غذایی به عنوان معاون رئیس شرکت خدمات غذایی داشت. او یکی از بزرگ ترین فزاینده دارائی اوپاما در شرکت بود. تاثیر گذاری او در انتخاب اوپاما با پاداش دهی به عنوان سفیر انجام شد.

ایکو ظاهرا مصاحبه ای با دی پرس انجام داد که در آن او افشاگری در مورد آژانس امنیت ملی را ناچیز جلوه داد با گفتن چیزی در مورد این که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تلاش برای مقابله باخطر شرکت کنند. او چیزی در مورد اثر این که مردم داوطلبانه اطلاعات بیشتری راجع به خودشان در فیسبوک می دهند و آژانس امنیت ملی این اطلاعات در مورد آنها را جمع می کند، نگفت. پلیس فدرال است به اطلاعاتی که لازم دارد دسترسی داشته باشد اطلاعاتی که لازم دارد و مواظبت هم می کند از حقوق شهروندی و خصوصی. او بازم گفت که آمریکائیهایی ساکن آمریکا نباید به خود ناراحتی دهند که دیگران ای - میل آنها را می خوانند. آن چه که این اتفاق را برجسته تر می کند این است که مورالس در فرودگاه مسکو که اسنودن مدت یک هفته است که در آنجاست هیچ گاه نبود. او از فرودگاه ونکووو که ۳۷ میل دورتر است پرواز کرد.

این بُعد درخواست دولت اوپاما را نشان می دهد که خواستش ممانعت از رسیدن اسنودن به جایی است که پناهنده گی او را می پذیرد. نتیجه آن که، کشورهای آمریکای لاتین خشمگینند و بولیوی تهدید به بستن سفارت آمریکا در بولیوی در مقابل با تجاوزی که به قانون بین المللی شده، کرده است.



سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

چهره زشت بربریت امپریالیسم

بقیه از صفحه آخر

حضور یافته و تقاضای بررسی هوایما را داده بود. او گفت که اجازه به آنها داده نشد. ولی ماموران رسمی اتریش ظاهرا به جست و جوی هوایما پرداختند. (گلن گرینوالد از رونامه گاردین گزارش داد که پلیس اتریش سراسر هوایما را گشت و چیزی پیدا نکرد). گاردین در ۵ ژوئیه گزارش داد:

« اسپانیا می گوید و کشورهای اروپائی گفتند که ادوارد اسنودن افشاگر آژانس امنیت ملی آمریکا همراه رئیس جمهور بولیوی در هوایما بود که به اتریش این هفته برگردانده شد و باعث صفی دیپلماتیک گشت.

خوزه مانوئل گارسیا - مارگالو وزیر امور خارجه به تلویزیون ملی اسپانیا در جمعه گفت « آنها به ما گفتند که اطلاعات دقیق است که او در هوایما بود.»

وزیر نگفت چه کسی این اطلاعات را داد و از گفتن این که او با آمریکا در ارتباط بود، امتناع ورزید. اما او گفت عکس العمل های کشورهای اروپائی بر پایه این اطلاعات بود. وزیران کشورهای اروپا ظاهرا اطلاعاتشان را از دولت آمریکا می گیرند، اگر گزارش دی پرس درست باشد، سکوت و شرکت در پوشاندن قضیه واقعا رخ داده است.

روبن ساوردا وزیر دفاع بولیوی ساعتها بعد از بروز حادثه در یک مصاحبه با سی.ان.ان. اعلام کرد « دولت آمریکا پشت پخش کردن شایعه ی بودن اسنودن در هوایما بود.» و «این دروغ و کذب محض بود. این توسط دولت آمریکا ساخته شد.»

«این بی حرمتی شدید و سوء استفاده است. این تجاوز به قراردادهای بین المللی در مورد حمل هوائی است.» آورو گارسیا معاون رئیس جمهور تا بدان جا پیش رفت که گفت مورالس توسط «امپریالیسم دزدیده شد.» جن بساکی سخن گوی زن درگزارش مختصری چنین شروع کرد « ما در رابطه با صفی از کشورها بودیم که شانس این را داشتند که اسنودن را در کشورشان بپذیرند یا از کشورشان عبور کند اما من مشخص نمی کنم که آن کشورها کجا هستند و چه زمانی تماس گرفتند.»

گزارش دی پرس تنها گزارشی است که از ایکو به مثابه پخش کننده دروغین یاد می کند. این مع الوصف توسط هیچ گزارش جدیدی انکار نشد.

رئیس جمهور باراک اوپاما ایکو را در ژوئن ۲۰۰۹ به عنوان سفیر انتخاب کرد. قبل از آن، او به عنوان داشتن موقعیت دیپلماتیک

دون. باوجود این رویزیونیسیم باقی می ماند. اعتراف بیشتر مارکسیسم - لنینیسم، پذیرش لفظی صاف و ساده، رجوع ظاهری بیشتر به کلاسیک ها روشهای خرده - بورژوائی مخفی کردن اپورتونیسیم و رویزیونیسیم است. افرادی که استالین را به عرش می رسانند و در مورد اشتباهات اساسی اش سکوت می کنند، به شیوه ای خرده - بورژوائی عمل می نمایند. کسانی که مائوتسه دون را به مثابه رهبر چین قبول دارند، اما به انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی افترا می زنند، نیز به روش خرده - بورژوائی عمل می کنند.

نبرد بین مشی های پرولتری و خرده - بورژوائی در مورد وحدت جنبش مارکسیست - لنینیستی و کارگری شروع شده است. این بایستی باهدف درهم کوبیدن مشی خرده - بورژوائی پیش برده شود. در این نبرد ما بایستی طبق آموزشهای زیر هدایت شویم:

- وحدت جنبش مارکسیست - لنینیستی و کارگری با شیوه تفکر - خرده بورژوائی تحقق نمی پذیرد.

- با شیوه تفکر خرده - بورژوائی وحدت جنبش مارکسیست - لنینیستی و کارگری را ممکن است داغان کرد.

- تشکل جدید جنبش انقلابی بین المللی تنها بر پایه شیوه تفکر پرولتاریائی می تواند موفق شود.

اجازه بدهید به لنین در مورد وحدت احترام بگذاریم:

« وحدت چیز مهم و شعار بزرگی است. اما آن چه را که هدف کارگری بدان نیاز دارد **وحدت مارکسیستها** است و نه وحدت بین مارکسیستها و مخالفان و تحریف کننده گان مارکسیسم. و ما باید از هر کسی که در مورد وحدت حرف می زند سؤال کنیم: وحدت با چه کسانی؟ با انحلال طلبان؟ در چنین صورتی، ما هیچ کاری با یک دیگر نداریم.» (لنین، در مورد «وحدت»، کلیات آثار، جلد ۲۰، ص. ۲۳۲)



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید و نظرات
خود را در آنها منعکس
کنید!



استراتژی «بشردوستانه» ... بقیه از صفحه آخر

(جنوب) بیداد می کند.

در بخش اول این نوشتار بعد از اشاره ی اجمالی به مولفه های پدیده ی توسعه لومپنی در کشورهای در بند پیرامونی، نیم نگاهی به نکات مهم روند تاریخی تبدیل ایران از یک کشور مقتدر و مستقل آسیائی به یک کشور توسعه نیافته ی نیمه مستعمره در طول قرن نوزدهم و نیمه ی اول قرن بیستم (۱۹۵۳-۱۸۱۲) می اندازیم. در بخش دوم (و پایانی) این نوشتار چگونگی شکلگیری و رشد سرمایه داری کمپرادور و توسعه ی لومپنی منبعت از آن در شصت سال تاریخ اخیر ایران (از ۱۹۵۳ تا ۲۰۱۳) را مورد بررسی قرار می دهیم.

لازم به یادآوری است که کم و کیف پروسه ی تاریخی تبدیل ایران از یک کشور مقتدر و مستقل آسیائی به یک کشور توسعه نیافته ی پیرامونی در طول قرون هیجدهم و نوزدهم و در نیمه ی اول قرن بیستم توسط پژوهشگرانی چون جان فوران، محمد رضا سوداگر، احمد کسروی، فریدون آدمیت، رابرت لوئی، ابراهیم رزاقی، فرد هالیدی، علی فکرت، احمد اشرف، سهراب بهداد، جهانگیر آموزگار، فرهاد نعمانی و ... در هفتاد سال گذشته از دیدگاه های مختلف بطور جامع و میسوط مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف نگارنده در این نوشتار بررسی چند و چون پروسه ی فلاکت بار توسعه نیافتگی و تبدیل ایران به یک کشور پیرامونی در بند (جهان سومی) نیست، بلکه هدف عمدتاً بررسی چگونگی شکلگیری و رشد سرمایه داری کمپرادور و توسعه ی لومپنی منبعت از آن در عرصه ی شصت سال اخیر ایران است.

مولفه های پدیده ی توسعه ی لومپنی

بررسی اوضاع رو به رشد در ایران کنونی نشان می دهد که مردم به ویژه کارگران و دیگر زحمت کشان ایران زمانی می توانند به استقرار یک جامعه ی آزاد و آباد و مستقل نایل آیند که آنها بعد از خلع ید و گسست از مدار نظام جهانی سرمایه خود را از بلای توسعه ی لومپنی منبعت از حاکمیت سرمایه داری کمپرادوری رها سازند. بدون تردید امروز ایران در جاده ی توسعه و رشد افتاده است ولی این پروسه ی رشد و توسعه چیزی به غیر از یک توسعه ی

دیگر دخالت بکند و بر عکس دولت باید قوانین سخت و صعب العبور در مقابل حرکت نیروهای کار تنظیم کرده و اجرای آنها را در مرزها تامین کند (اصل جهانی گرای سرمایه). (globalization)

۷- این قوانین ششگانه در تمام کشورهای جهان که در جهانی گرای سرمایه ادغام گشته اند باید حتی از طریق جنگ و اشغال نظامی هم که شده به مورد اجرا گذاشته شوند. در این راستا، سرمایه خصوصی متعلق به «انحصارات پنجگانه» اولیگوپولی های سه سره ی امپریالیستی نباید و ضروری است که در حرکت خود ملزم به رعایت قوانین سرحداتی و مرزی بین ملت - دولت ها (کشورها) باشد (اصل «مقدس» حرکت سرمایه).

دولت های حاکم بر ایران بعد از کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ تا کنون بدون استثناء تمام اصول هفت گانه فوق الذکر حاکم بر بازار سرمایه داری در فاز فعلی جهانی گرای را کم و بیش پیاده کرده اند. پی آمد اقتصاد سیاسی و اجتماعی اعمال این اصول تبدیل ایران از یک کشور نیمه مستعمره و توسعه نیافته جهان سومی به یک کشور کمپرادور سرمایه داری با توسعه ی لومپنی (و ناموزون و معیوب) جهان سومی است. به نظر این نگارنده نیم نگاهی به نکات مهم تکامل تاریخی اقتصاد سیاسی ایران و تبدیل تدریجی آن از یک کشور مقتدر و مستقل آسیائی در قرون شانزدهم و هفدهم به یک کشور نیمه مستعمره و توسعه نیافته ی جهان سومی (در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم) نه تنها دانش و درک ما را از چگونگی تبدیل ایران به یک کشور سرمایه داری کمپرادوری ناموزون و لاجرم با توسعه ی لومپنی منبعت از آن اعتلاء می بخشد، بلکه بررسی جمع بندیها و نتیجه گیری ها از آن دوره ی تاریخی می توانند درس های غنی و چراغ های روشن در اختیار چالشگران ضد نظام جمهوری اسلامی که برای رهایی از کمپرادوری و توسعه لومپنی خواهان گسست از نظام جهانی سرمایه نیز هستند، قرار دهند.

نکات مهم تاریخ تکامل اقتصاد

سیاسی ایران

۱- اقتصاد سیاسی ایران قرن ها (تا آخر قرن هفدهم و اوایل قرن هیجدهم میلادی) یک نظام ارباب - رعیتی سنتی بود که زمین بویژه منابع آب در آن، نقش عمده در شیوه تولید و ترکیب طبقاتی ایفاء می کرد. ◀

دم بریده و به قول آندره گونتر فرانگ یک توسعه لومپنی و ناموزون نیست. فرانک واژه «توسعه لومپنی» را در دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم به درستی و عمدتاً در ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین به کار برد. توسعه ی لومپنی در دهه های بعد در بحبوحه ی فاز نوین جهانی گرای سرمایه (گسترش بازار آزاد نئولیبرالیسم) به شدت در دیگر کشورهای پیرامونی در بند (جنوب) رواج یافت. امروز در ایران به عنوان یک نمونه ی بارز تشدید پروسه ی درماندگی اجتماعی - معیشتی مردم محصول مدل توسعه یی است که اصول مقرراتی آن از سوی مونوپولی های پنجگانه کشورهای امپریالیستی سه سره ی مرکز (شمال) در طول شصت سال اخیر اعمال گشته اند.

این اصول هفتگانه که از سوی انحصارات پنجگانه و به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از سوی اولیگارشی کمپرادور ایران اعمال می گردند، عبارتند از:

۱- اقتصاد باید تحت مدیریت کمپانی های خصوصی باشد. اگر یک نهاد اقتصادی توسط دولت اداره می گردد باید هر چه زودتر مشمول خصوصی سازی گردد (اصول خصوصی سازی).

۲- بازار کار باید تحت فرمان قوانین حاکم بر «بازار آزاد» نئولیبرالی سرمایه بوده و هرگونه مقررات در مورد تعیین درصد حداقل مزدها، قوانین مربوط به کار کودکان و ... باید ملغی اعلام گردند (اصل ضد تنظیمات).

۳- خدمات عمومی (دولتی) در گستره های آموزش و پرورش، بهداشت و طب، آب رسانی الکتریسیته، خانه سازی، ترابری و ارتباطات باید مشمول خصوصی سازی شوند (تضعیف دولت در گستره ی خدمات عمومی رفاهی = اصل دولت زدایی).

۴- وظیفه ی مالی و عمومی دولت فقط باید محدود به تامین نظم عمومی داخلی و دفاع در مقابل خطرات خارجی باشد (اصل میلیتاریزه سازی دولت و تقویت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و پلیسی آن).

۵- مدیریت و مالکیت بانک ها و دیگر نهادها ی مالی باید در کنترل کمپانی های خصوصی بوده و سیاست های دولتی در امور مالی و پولی باید مورد تایید کمپانی های فراملی معروف به «انحصارات پنجگانه» قرار گیرند (اصل ملی زدایی). (denationalization)

۶- دولت نباید در امور حرکت سرمایه و «فرار» سرمایه ها از کشوری به کشور



این نظام در عصر قدر قدرتی حاکمیت صفویان (در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی) با ظهور نطفه ها و آغازگران بورژوازی تجاری در گستره های سیاسی، فرهنگی و بویژه اقتصادی موقعیت ممتاز و عموماً مسلطی در آن روزگاران کسب کرد. در آن دوره که تحقیقا ۲۰۰ سال طول کشید، ایران طبق مدارک موجود یکی از قطب های اصلی جذب و ادغام سرمایه در جهان محسوب می گشت. ایجاد واحد های کوچک، متوسط و بزرگ صنعتی و بازرگانی (بویژه در حیطه های منسوجات و بافندگی، منجمله فرش) و وجود روابط متقابل و بهم پیوسته اقتصادی موجود در حوزه «راه ابریشم» باعث پدید آمدن حوزه های صنعتی و بازرگانی در شهرهای بزرگ آن (از تبریز و قزوین در شمال تا کرمان، اصفهان و شیراز در مرکز و جنوب ایران) گشت.

در دوره صفویان که طول آن به متجاوز از دو قرن رسید، اقتصاد ایران اقتصادی متکی به خود بود و بخش های کشاورزی - دهقانی، صنایع (به ویژه صنایع دستی و نساجی)، روابط بازرگانی (تجارت و داد و ستد با کشورهای بزرگ آن زمان) و بازار و کاروانسراهای آن با یکدیگر هماهنگ و در مقایسه با اکثر کشورهای آن زمان، منطبق با نیازمندی های کشور ایران بود.

۲- همراه با رشد نواحی صنعتی و تجاری در شهرهای بزرگ و ظهور و رشد شهرهای جدید تجاری، نطفه های اصلی بورژوازی تجاری در این دوره شکل گرفت و در دوره عروج صفویه به قله قدر قدرتی نظامی به سرعت رشد یافت. شایان تاکید است که در این دوره، در امور تجارت خارجی امتیازات اعطا شده به نیروهای خارجی بیشتر با دریافت امتیازات متقابل همراه بود. بدون تردید، پویایی اقتصاد ایران و رشد طبیعی و معمولی بورژوازی نو پای تجاری از بروز پیامدهای منفی امتیازات اعطائی و از در غلطیدن ایران در باتلاق «توسعه نیافتگی» و «پیرامونی شدن» ایران جلوگیری می کرد. غالب شهرهای بزرگ ایران (از جمله تبریز، مشهد، ری و اصفهان) همراه با بنادر واقع در کرانه های خلیج فارس (مثل بندر عباس و ...) صاحب هزاران و صدها نفوس بوده و در مسیر راه های ترانزیتی و کاروان های «راه ابریشم» قرار داشتند و مناطق کرانه های دریای مدیترانه (فرانسه، هلند و شهرهای صنعتی ایتالیایی نشین و ...) و اروپای شرقی به ویژه روسیه تزاری، را با کشورهای شبه قاره هندوستان، چین

و ماچین (مالایا، جزایر هند شرقی و ...) مربوط می ساختند.

۳- بعد از افول و اضمحلال حاکمیت متمرکز صفویه، پیدایش و رسوخ قدرت های استعماری اروپا در کشورهای همجوار ایران همراه با حضور و برخاستن قدرت های جدید در مرزهای ایران از یک سو و تلاشی ایران متمرکز و شیوع دوباره رژیم ملوک الطوائفی و خانجانی و وقوع جنگ های خانمانسوز ایلاتی و عشیرتی از سوی دیگر، اقتصاد ایران و بورژوازی جوان تجاری آن را (در سالهای ۱۷۷۵-۱۷۵۰ میلادی) از بازار گسترده و طبیعی خود محروم ساخت. این شرایط ایران را به صحنه قدرت نمائی و عرصه رویارویی و رقابت نیروهای استعمارگر به ویژه امپراطوری انگلستان و تزاریس روسیه، تبدیل کرد.

رقابت های خانمانسوز روسیه تزاری و امپراطوری انگلستان معاهداتی به هیئت حاکمه ضعیف و فاسد ایران تحمیل کرد که بر طبق آن ها تولید کنندگان و تجار بورژوازی نو پای ایران در وضعیت نامساعدی نسبت به رقبای خارجی قرار گرفتند. به طور مثال، بعد از امضای معاهدات تحمیلی گلستان و ترکمن چای بین ایران و روسیه و متعاقباً امضای یک سری معاهدات تحمیلی بین ایران و انگلستان در طول قرن نوزدهم، معافیت سرمایه داران و تجار خارجی از پرداخت ۵ درصد مالیات راهداری، علاوه بر ارزانی محصولات خارجی، موجب شد که کالاهای خارجی به تدریج به ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم، کالاهای ایرانی را از طریق عمدتاً دامپینگ از بازار بیرون رانده و بورژوازی تجاری ایران را باورشکستگی روبرو سازد. در این دوره به خاطر سرازیر شدن کالاهای خارجی و انتقال ثروت های طبیعی و انسانی (نیروی کار) به خارج از مرزهای ایران، امکانات سرمایه گذاری و رشد بازار برای بورژوازی ایران که عمدتاً تجاری بود، محدود شد و تولید صنایع سنتی و نوپای بومی، نقصان یافت.

۴- این انحطاط شتاب آمیز که بعضی از مورخین تاریخ اقتصاد ایران آن را آغاز پروسه «نیمه مستعمره» شدن و بعضی ها آن را تبدیل ایران به یک کشور توسعه نیافته «پیرامونی»، «حاشیه ای» و یا «نیمه حاشیه ای» و بعضی دیگر آنرا آغاز جذب و «پیوند» ایران به محور نظام جهانی سرمایه نامیده اند، وقتی تشدید و تثبیت یافت که نیاز دولت و هیئت حاکمه ایران به منابع مالی نیروهای خارجی به ویژه انگلستان و روسیه افزایش یافت. کشوری که در اواسط قرن

شانزدهم مالیات یک شهر بزرگ (تبریز) تقریباً برابر با کل مالیات کشور فرانسه بود، در اواسط قرن نوزدهم بودجه تبریز تا یک دهم بودجه فرانسه آن زمان کاهش یافت. به عبارت دیگر ایران که تا اوایل قرن نوزدهم مازاد بازرگانی داشت، از بعد از دهه های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ به تدریج تحت فشار استعمارگران با کسری پرداخت ها (تراز بازرگانی) روبرو شد. در این دوره سهم منسوجات در صادرات ایران از ۶۱ به ۱۹ درصد و سهم منسوجات نخی و پشمی از ۲۳ درصد به ۱ درصد کل صادرات کاهش یافت. در عوض در این دوره واردات پارچه افزایش سریعی پیدا کرد. از مجموع این موارد می توان دریافت کرد که بر سر بازار داخلی و صنعت نساجی ایران و بورژوازی تجاری و بورژوازی صنعتی ایران که در این دوره بسیار کوچک بود، چه آورده شد و ایران چگونه از یک کشور تنومند آسیائی (بویژه در قرن های شانزدهم و هفدهم میلادی) به یک کشور توسعه نیافته پیرامونی در اوایل قرن بیستم تبدیل شد.

۵- پروسه «نیمه مستعمره شدن» و یا «توسعه نیافتگی» ایران نه تنها بورژوازی تجاری و صنایع نوپای ایران، بلکه کارگران، صنعتگران شهر و روستاهای کشور را که در این دوره کمتر از ۱۰ درصد کل نیروی کار را در ایران تشکیل می دادند، نیز به فلاکت، بیکاری و در بدری کشید. در حالیکه بخش بازرگانان بزرگ بورژوازی تجاری ایران توانائی آن را داشتند که با خرید اراضی خالصه و نزدیکی به سرمایه داران خارجی خود را نجات داده و هسته های اصلی بورژوازی «کمپرادور» ایران را بوجود آوردند، صنعتگران و کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا با از دست دادن وسایل محقر تولید خود با بیکاری، بی خانمانی و گرانی مزمن روبرو گشته و راه مهاجرت به خارج از مرزهای ایران را در پیش گرفتند.

۶- شایان ذکر است که علیرغم این تلاطمات فلاکت بار و اوضاع و اوضاع و اوضاع نیمه مستعمره گی و استبداد، بیکاری و بی خانمانی منبعت از آن اوضاع که نزدیک به صد سال (از آغاز دهه های ۱۸۱۰ تا آغاز جنبش مشروطیت در دهه ی ۱۹۰۰) طول کشید، ما شاهد شکستگی و رشد اندیشه ها، اصلاحات ترقیخواهانه و اقدامات سیاسی و اجتماعی به نفع مردم هستیم که درس آموزی از آنها برای چالشگران ضد نظام ضروری و حائز اهمیت هستند. مدارک و اسناد تاریخی موجود نشان می دهند که



در آن دوره صد ساله کشور ایران به یکی از پیشگامان نادر در شکست‌گیری و بسط مدرنیته سازی همراه با اشاعه‌ی اندیشه‌های تجدد طلبی (مدرنیته) از یک سو و مقاومت و مبارزه علیه تهاجم و نفوذ نیروهای مقتدر استعمارگر از سوی دیگر در خطه‌ی بزرگ و ژئوپولیتیکی خاورمیانه-اقیانوس هند در آغاز قرن بیستم تبدیل گشت. پیشینه و ریشه‌های این اقدامات و مقاومت‌ها به مجموعه اصلاحات مثلث فراهانی - امیرکبیر - سپهسالار در طول قرن نوزدهم می‌رسد. با اینکه این اصلاحات و رهبران بر آمده از آنها بعد از مدتی مورد سرکوب و خشم دربار قاجار و نیروهای استعمارگر انگلستان و روسیه تزاری قرار گرفته و از نفس افتادند ولی پیامدهای تاریخ ساز تجدد طلبی‌ها و مدرنیته سازی به موازات مقاومت مردم در مقابل استعمارگران کهن به تدریج شرایط عینی و فاکتورهای ذهنی را در ایران برای بروز و رشد جنبش و انقلاب مشروطیت در سالهای آغازین قرن بیستم آماده ساخت.

۷- انقلاب مشروطیت با ترویج و تبلیغ و پیشبرد مبارزات ضد استبدادی علیه حاکمین قاجار از یک سو و مقاومت‌های متنوع مسالمت آمیز پارلمانی و مسلحانه توده‌ای علیه نیروهای امپریالیستی روسیه تزاری و امپراطوری بریتانیا از سوی دیگر - که به قول و روایت کسروی هیجده سال (از ۱۹۰۴ تا ۱۹۲۱) طول کشید - به پیش برده شد. این انقلاب در تکامل روند مدرن ادغام خلقهای متنوع ساکن ایران در درون یک ملت - دولت واحد و مشخص که علائم اش در طول نیمه دوم قرن نوزدهم در اصلاحات فراهانی، امیرکبیر و سپهسالار جرقه زده بودند، یک گام کیفی و تاریخساز در تاریخ معاصر ایران بود. با اینکه با وقوع انقلاب مشروطیت در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ این امید در دل‌ها دمید که ایران فرصت تاریخی پیدا کرده که با استخراج و صدور نفت در سال ۱۹۰۸ از یک سو و استقرار حاکمیت ملی و دموکراسی از سوی دیگر بتواند خود را از محور فلاکت بار توسعه نیافتگی و وابستگی‌ها سازد، ولی شکست انقلاب، اشغال ایران توسط نیروهای نظامی انگلستان و روسیه تزاری در سال‌های جنگ جهانی اول دوباره ایران را در مسیر روند توسعه نیافتگی و وابستگی قرار داد.

۸- روند گسترش ناموزون سرمایه داری در مسیر توسعه نیافتگی با تسخیر قدرت سیاسی توسط رضا شاه پهلوی در سال ۱۹۲۱ تسریع شد. بدون تردید حکومت

«بورژوا-ملاک» رضا شاه در طول بیست سال جامعه ایران را با گسترش مناسبات سرمایه داری بی سابقه، به ویژه در شهرهای ایران، «اروپائی ماب» کردن ظاهری (کشف حجاب، رواج لباس و کلاه متحدالشکل اروپائی)، ایجاد بخش دولتی در اقتصاد، رشد برخی رشته‌های صنایع (به ویژه نساجی، سیمان و قند)، ایجاد دانشگاه تهران و کشیدن خط سرتاسری راه آهن دچار تحول ساخت. کشور ایران در دوره ده سال آخر حکومت رضا شاه، شاهد پیشرفت‌های صنعتی شد. در این سال‌ها برخی موسسات مالی و واحد‌های صنعتی در بخش دولتی احداث گشت. ساختمان راه آهن سرتاسری ایران پایان یافت و راههای شوسه بوجود آمدند و نیز در همین سال‌ها بود که در بخش خصوصی فعالیت‌های صنعتی عمرانی در جهت ایجاد واحدهای تولید ماشینی، احداث مدارس، دانشگاه و سینما‌ها و تئاترها دنبال گردید. در پرتو این شرایط طبیعتاً بورژوازی صنعتی ایران از یک سو و تعداد کارگران صنعتی از سوی دیگر در این دوره رشد کرده و تعدادشان افزایش یافت.

۹- ولی آنچه که ماهیت واقعی این تحولات را تشکیل می‌داد عبارت بود از سیر و حرکت ایران در جاده پیوند بیشتر به مدار نظام جهانی سرمایه و تسریع بیش از بیش پروسه گسترش مناسبات سرمایه داری ناموزون و توسعه نیافته منبعت از آن. به کلامی دیگر، رژیم رضا شاه با تمديد امتیاز قرار داد شرکت نفت ایران و انگلیس در اوایل دهه ۱۳۱۰ و انعقاد قرار داد سعد آباد در اواسط دهه ۱۳۱۰ باز کردن درهای ایران به سوی فعالیت‌های کشورهای امپریالیستی، انگلستان در دهه ۱۳۰۰ و سپس آلمان نازی در دهه ۱۳۱۰ و بالاخره با «نقض صریح بی طرفی» در آغاز جنگ جهانی دوم نقش تامین منافع نیروهای خارجی را ایفا کرده و شرایط را برای اشغال ایران از طرف نیروهای متفقین آماده ساخت.

۱۰- شایان توجه و باعث خوشنودی است که تثبیت هویت تعلق به یک ملت- دولت و تمایل به تجدد طلبی که هردو ارثیه‌های درخشان تاریخ هیجده ساله‌ی انقلاب مشروطیت بودند، در بین ایرانیان به قدری گسترده و فراگیر بود که حتی استبداد بیست ساله رضا شاه پهلوی و وابستگی اش به انگلستان و سپس به آلمان هیتلری، نتوانست خدشه جدی در پایه‌های اساسی آن ارثیه‌ها به وجود آورد. به طوری که با پایان جنگ جهانی دوم دوباره ایران مثل آغاز

قرن بیستم بزودی در صف اولین پیشگامان جنبش‌های رهائی بخش ملی و سوسیالیستی قرار گرفت. توضیح اینکه در تابستان سال ۱۹۵۲ (بعد از پیروزی مردم ایران در قیام تاریخی سی تیر ۱۳۳۱) ایران از یک سو از پیشتازان اولیه جنبش‌های رهائی بخش ملی در کشورهای در بند پیرامونی بود که یک قدرت امپریالیستی (بریتانیای کبیر) را با ملی کردن صنایع نفت با موفقیت به چالش طلبیده بود و از سوی دیگر آزادیهای دموکراتیک را به میزان قابل توجهی در مقایسه با گذشته در سراسر ایران گسترش و رونق داده بود.

۱۱- این یک واقعیت است که بعد از خلع و تبعید رضا شاه و آغاز یک دوره نسبتاً دموکراتیک، مردم ایران تحت رهبری دکتر مصدق تلاش کردند که کشور خود را طی یک گسست از مدار نظام جهانی سرمایه (عمدتاً از حوزه نفوذ امپراطوری انگلستان) و نه نظام سرمایه داری رها سازند. ولی کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ به تلاش مردم در جهت گسست ایران از مدار نظام جهانی سرمایه و استقرار و تحکیم حاکمیت ملی خاتمه داده و ایران را دوباره به مدار نظام جهانی این بار به سرکردگی آمریکا متصل ساخت. در این دوره‌ی جدید که نزدیک به شصت سال (از ۱۹۵۳ تا کنون) طول کشید (و هنوز هم ادامه دارد) دولتمردان ایرانی چه در دوره‌ی رژیم پهلوی دوم و چه در دوره‌ی رژیم جمهوری اسلامی با قبول اصول هفت گانه‌ی حاکم بر بازار سرمایه داری در فاز فعلی جهانی‌گرایی کشور ایران را به تدریج از یک کشور نیمه مستعمره و توسعه نیافته‌ی جهان سومی به یک کشور سرمایه داری کمپرادور با توسعه‌ی لومینی منبعت از آن تبدیل نمودند.

ادامه دارد

ن.ناظمی - تیرماه ۱۳۹۲



بجز نوشته‌هایی که با امضای
تحریریه منتشر می‌گردد و
بیانگر نظرات حزب رنجبران
ایران می‌باشد، دیگر نوشته
های مندرج در نشریه رنجبر
به امضا‌های فردی است و
مسئولیت آنها با نویسندگانشان
می‌باشد.



درجه جهانی کمونیستی

فصل سوم - ساختمان حزب و مبارزه طبقاتی بر پایه شیوه تفکر پرولتاریائی
۵- شکل گیری جدید جنبش بین المللی مارکسیست - لنینیستی و طبقه کارگر
به نقل از کتاب استفن انگل : مبارزه در مورد شیوه تفکر در جنبش کارگری - سپتامبر ۱۹۹۵

کارل مارکس و فردریک انگلس شعار تاریخی «کارگران همه ی کشورها متحد شوید!» را در مانیفست مشهور کمونیستی در سال ۱۸۴۸ اعلام نمودند. این محتوای پایه ای

انترناسیونالیسم پرولتری را بیان می کند. هدف اساسی جنبش کارگری جای گزینی نظام استثماری انسان از انسان با جامعه انسانی بدون طبقه است.
 از نظر شکل مبارزه طبقاتی در ابتدا در چارچوب ملی می بایستی علیه حاکمیت سرمایه داری صورت پذیرد. طبق آن احزاب انقلابی سازمان داده شدند، هر چند که از نظر محتوای کارشان انترناسیونالیستی بود. با رشد سرمایه داری به مرحله ی امپریالیسم، وحدت بین المللی پرولتاریا تبدیل به ضرورتی مطلق شد. لنین گفت: «سلطه ی

سرمایه داری جهانی است». «به این خاطر مبارزه ی کارگران در تمامی کشورها برای رهائی شان تنها زمانی موفق می شود که کارگران مبارزه مشترکی را علیه سرمایه بین المللی انجام دهند.» («پیش نویس و توضیح برنامه»، در کلیات آثار لنین، جلد ۲، ص ۱۰۹)
 شکل دادن اتحادی جهانی، اصلی مارکسیست - لنینیستی است. چه گونه متحد شدن آنها، چه شکل گیری ای این وظایف دارند، بسته گی به هدف ویژه و شرایط ذهنی مبارزه طبقاتی دارد. لنین خصوصیت تکامل بین المللی

چهره زشت بربریت امپریالیستی!

بنابه گزارشی، سفیر آمریکا در اتریش مسئول ادعای دروغین حضور اسنودن در هواپیمای رهبر بولیوی بود.

کوین گوسزلوتا - ۵ ژوئیه ۲۰۱۳
 روزنامه اتریشی دی پرس گزارش داد که سفیر آمریکا در اتریش مسئول انجام درخواست دروغین حضور ادوارد اسنودن افشاگر آژانس امنیت ملی در هواپیمای رئیس جمهور بولیوی نو مورالس است.

این داستان در ۳ ژوئیه به طور مختصر توسط روزنامه گزارش شد بعد از این که هواپیمای مورالس «در بخش خارجی فرودگاه وین با دریافت یک گفتگوی تلفونی» فرود آمد. تلفون کننده ویلیام ایگو سفیر آمریکا در اتریش بود.

بر اساس نوشته دی پرس ایگو «با بیشترین اطمینانی ادعا کرده بود که ادوارد اسنودن در آن هواپیما بود.» او هم چنین اشاره به «نامه ای دیپلماتیک در مورد اخراج اسنودن» داشت.

آسوشیتدپرس در ۲ ژوئیه گزارش کرد که هواپیمای مورالس به اتریش برگرانده شد بعد از آن که کشورهای اروپائی اجازه پرواز از فراز خاک شان را به دلیل سوء ظن داشتن به حضور اسنودن در هواپیما نداده بودند. این کشورها شامل اسپانیا، فرانسه، پرتغال و ایتالیا می شدند.

هواپیمای مورالس نهایتا در اتریش برای پرکردن سوخت هواپیما فرود آمد و بر اساس گفته مورالس «وقتی که هواپیما در وین فرود آمد، سفیر اسپانیا با دو کارمند سفارت

توسعه لومپنی در ایران معاصر (بخش اول)

سرمایه داری که در فاز کنونی جهانی گرای خود بیش از پیش به یک نظام جهانی حاکم تبدیل شده است، بر اساس هفت اصل در اکناف جهان عمل می کند. اعمال این اصول هفتگانه - که امروز از سوی مفسرین ضد نظام به نام اصول «بنیادگرائی بازار آزاد» معروف گشته اند - در کشورهای پیرامونی (جنوب) یک نوع سرمایه داری بر پایه ی دولت های کمپرادور به وجود

آورده که در آن ها سیاست های رشد و توسعه ی داخلی نه در خدمت کارگران، زحمتکشان و تهیدستان (۹۹ درصدیهای) آن کشورها بلکه در خدمت بازار صاحبان «انحصارات پنجگانه» («یک درصدیها») در کشورهای امپریالیستی قرار گرفته اند. در نتیجه در کشورهای جنوب به شکرانه رشد سرمایه داری کمپرادور ما شاهد توسعه ی هستیم که نزدیک به چهل سال پیش آندره

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
 P.O.Box 5910
 Washigton DC
 20016
 U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org